

# روز

کارگران همه کشورها متحد شوید!

ازگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول اسفند ماه ۱۳۶۸ - ۱۲ صفحه - ۴۰ ریال

دوره دوم - سال چهارم - شماره ۳۷

## اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### دور جدید کشتار در جبهه ها و جنگ خونین شهرها

مردم شرافتمند ایران!

طی سه عملیات فاجعه بار کربلای ۵ و ۶، بیش از ۵ هزار تن از هموطنان ما قربانی اهداف توسعه طلبانه رژیم جنگ و جنایت خمینی گردیده اند. در این عملیات ما چراغی را که در راه مبارزه با رژیم کبلمتر از خاک عراق صورت گرفت، هزاران نفر در میان دود و آتش و آبهای متراکم از سموم شیمیایی نیست و نابود شده اند. اجساد متلاشی شده قربانیان چون جنگ طلبی رژیم هنوز هم در با تلافی و صحنه های بزمین مانده است. شدت جنگ و کشتار به حدی بوده هست که برخی از گردانهای اعزامی به خط مقدم جنگ به کلی نابود شده اند. رژیم جنایتکار در عملیات نا فرجام و بد فرجام، تا کنون جنایتکارانه

امواج انسانی را وسیعتر از هر زمان دیگر بکار گرفت و با این شیوه نا جوانمردانه، هزاران نوجوان و جوان آموزش ندیده را به معاف سلاحهای مدرن و خطرناک طرف مقابل فرستاد تا در یک چشم بهم زدن بسوزند و خاکستر شوند. جنگ مرگ زا در جبهه ها با جنگ خونین شهرها همراه بود. طی چند هفته گذشته شهرهای باختران، استندج، مهاباد، اسلام آباد غرب، تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، بروجرد، خرم آباد، ارومیه، همدان، نهاوند، دزفول، اندیمشک، باهنر، سوسنگرد، دهلران، بیل دختر، کوهستان، قم، کاشان، آراک، زنجان، ایلام، بانه، میوان، میاندوآب، و چندین شهر دیگر بظروف وحشتناک و بی نظیر توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند. این تراژدی دهشتناک همچنان ادامه دارد. طبق اعتراف صریح رئیس جمهور رژیم بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی زنان ایران! در راه صلح، دمکراسی و برابری متحد شوید

## روز

روز "کار" فرا رسیده است. ۱۹ اسفند ماه هفتمین سالگرد "کار" ازگان مرکزی سازمان است. در طول این سال طوفانی، "کار" فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته است. در آینه "کار" خطاها کسب نموده اند. اما در صورت همواره "کار"، بیامودن بزرگ راه سرخ را در مدنظر داشته است که بسوی آزادی و بهروری و نجات امتداد می یابد. "کار" در کار پیوند بزرگ راه سرخ با آزادی و همتا که بسوی شیخ های طلوع، استقلال، آزادی و سوسیالیسم پیش می رود، تسلای کلی "کار" همواره این بوده است که راه کار، یعنی راه کارگران را بسوی اوله پیروزی هموار سازد. راه کار، یعنی ما می توانیم بر برتری های شرایط و بر خط های خویش چیره شویم و با توشه ای غنی عزم شیخ های بلندتر کنیم در همین است. "کار" نشریه ای سیاسی است و مخاطبان آن نیز عمدتاً کارگران و زحمتکشان هستند. در عین حال کار به مسایل تنوعی و مسایل خاص عناصر پیشرو و کارگران و جنبش های نیمی پیدا رده. در سال گذشته کار کوشید در هرودی این عرصه ها انجام وظیفه کند. اما بدلیل مختلف در عرصه دوم یعنی در عرصه کار ایدئولوژیک - تنوعی که گاهی داشته است، علت اصلی این کاستی ها نیز اختصاص یافتن نیروی عمده (علاوه بر کار سیاسی) برای حل مسایل نظری موجود در دستگاه رهبری سازمان بوده است. در عرصه سیاسی کار فعالترین و موثرترین نشریه انقلابی کشور بوده است. البته در این عرصه هم یک رشته کاستی ها و اوزار جمله کاستی های ناشی از آسیب دیدن حلقه های اتصال مستقیم تشکیلات با محیط های فعالیت بوده است. خصوصاً با روستا بخشیم می خورد. اما نسبت به کار انجام داده در این کاستی ها فزونی است. در مجموع می توانیم بگوئیم امکاناتی را که در اختیار داشتیم بکار گرفتیم. کار کوشید تا فعالیت لانه با مسایل سیاسی برخورد کند. در شغاع تا نیز خودتوده های مردم را به نبردی جدی علیه جنگ و رژیم برانگیزد. تقریباً هیچ رویداد عمده سیاسی - اجتماعی نیست که کار نسبت به آن فاقد موقعیت باشد و یا توده ها را در قبال آن رها کرده باشد. طی سال گذشته کار با چندین تحلیل سیاسی جامع و مختصر، و با دهها رهنمود عمومی و مشخص، و با مخالفت فراوان در اقطار و طبقات مختلف خلق، همچنان نقش مهمی در آگاه کردن، سمیت دادن و سازمان دادن نبردها ایفا کرده است. در سال گذشته سر حلقه تشکیلات کار، تبلیغ علیه جنگ و برای تأمین صلح بیدارنگ بوده است. در عین حال اساسی تشکیلات فدائیک در کار برگره زدن مسائل جنگ و رژیم و مساله صلح و سرنگونی رژیم بوده است که در شغاع رهنمود خلق علیه جنگ و رژیم تجلی می یابد. در سال گذشته، و خصوصاً از اواسط آن تا حتم جدید رژیم علیه سازمان ما آغاز شد. این تمام که منجر به شهادت و اسارت عمده ای از رفا و آسیب دیدن بقیه در صفحه ۲

## کارزار جهانی دفاع از زندانیان سیاسی ایران و حمایت از فدائیان خلق

- بیانیه مشترک احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک
- بیانیه مشترک احزاب انقلابی و ترقیخواه هند
- درخواست "کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی"

در صفحه ۱۱

## شهادت شیرزن فدایی، رفیق شیدا بهزادی تهرانی

رفیق شیدا بهزادی تهرانی، مبارز پرشور و راهی کارگران و زحمتکشان میهن، شیرزنی ارشاد فدائیان خلق در زندانهای جمهوری اسلامی شهادت رسید. فدائی خلق رفیق شیدا بهزادی تهرانی که در برصده سازمان، عضو کمیته شهر و مسئول زنان در کمیته شهر اصفهان بود، ۲۸ سال پیش در اصفهان به دنیا آمد و بعد از تحصیلات متوسطه به دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان راه یافت و بهزودی به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد و از همان زمان بعنوان هوادار سازمان هم توان و شور انقلابی خود را در چهارچوب فعالیت موثر سازمانی مشترک کرد. در روزهای طوفانی انقلاب به عنوان شرکت کننده فعال سازماندهی جنبش انقلابی توده ای شناخته شد. بعد از انقلاب به عضویت سازمان درآمد.

رفیق شیدا در جمع همزمان خویش با شکیبایی و تحمل و صفا تا بدیر خودشما ختم می شد و بر چه میزبان و آرامش، روحی پرشور و روشنی بکار رجا داشت. شیدا شوق تلاش در قامت متانت و روح خوش در بیکروقتار بوده و در جریان تحولات سازمان همواره با اندیشه ای خلاق در موضع بشروقتار می گرفت. از همین ماه ۶۱ و نیز پیش از آن در هر روز با نیت بیکر در قرار گرفت. عوامل امنیتی رژیم در اصفهان او را می شناسند و در صدد دستگیری او بودند. در چنین شرایطی او ضمن انجام تعهدات مادی خویش، به شرکت در هسته های مخفی پرداخت و با بهای همسرش برای ایجاد امکانات جدید سازمانی کوشید. رفیق شیدا در مرداد ماه ۶۸ سالها همسر و فرزندان در تهران دستگیر شد و تحت شکنجه های وحشتناک قرار گرفت. اکنون او تنها به یک وحشی شلاق شیارشدا مانحن نگفت و مزدوران را به انتقام داد. او پس از یک ماه مقاومت در برابر جردان سرانجام جان خویش را در راه خلق فدا کرد. بقیه در صفحه ۱۱

## گرامی باد روز زن!

- \* تحمیل حجاب در صفحه ۷
- \* حقوق و مطالبات کارگران زن در صفحه ۶
- \* مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی در صفحه ۷
- \* گسی گم مثل هیچکس نیست در صفحه ۵

کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی با خبرنگاران خارجی در بیمن، همچنین صحابه او با شکسته تلویزیونی بی بی سی، این امریکادرامه گذشت و سخنانی او در مراسم ۲۲ بیمن، گواه تازه ای است از اینکه چگونه رژیم جمهوری اسلامی با شتابی روزافزون به امپریالیسم آمریکا نزدیک می شود. این صحابه ها را می توان توبه نامه "فرد شماره ۲" رژیم در برابر امپریالیسم آمریکا بی طوفی کرد. رفسنجانی در مقام صحابه بی بی سی، آن گفت که ما جوان (مفروق فارلن) را فاش نکردیم، برای اینکه نگلی مسائل (یعنی گسترش رابطه با آمریکا) قطع نشود. او ضمن گله گذاری از اینکه آمریکا با قصد از انقلاب در ایران "به عمل کرده است" گفت که برای گسترش روابط، تنها یک شرط داریم و آن این است که آمریکا ثابت کند که ما مردم، دولت و انقلاب، نساخته خودمان را در "رفسنجانی در پاسخ به این سوال که آمریکا چگونه باید "عدم خودت" خود را ثابت کند، برای امپریالیسم آمریکا بی نیام فرستاد که: اگر ۵۰ میلیون دلار ما را بدهد دیگر خودت در کار نخواهد بود.

شرفی حقیرانه تر از این، آیا امکان دارد؟ رفسنجانی چنان بکار برده یوشی بر تمام جنایات امپریالیسم آمریکا می گوید "خصوصاً" امپریالیسم آمریکا با مردم ایران را تنها تا سطح "ا" موال توقیف شده "تنزل دهد" تازه با رفع این یگانگی "خصوصاً" باقی مانده عقد اتحاد رژیم خمینی با امپریالیسم آمریکا را رسماً اعلام کند. درست به همین خاطر است که بنا به اعتراف رفسنجانی (در سخنرانی ۲۲ بیمن)، چند روز پیش از این صحابه، مقامات آمریکا بی با اعرام یکی از ما مورین خود به ایران شماره تلفنی در اختیار خمینی، رفسنجانی و دیگر شرکای آنان قرار داده اند که بنا بر آن شما مستقیماً با خود دیگران گفتگو کنید.

هنوز کسی فرا موش نکرده است که رژیم خمینی با چه شعاری تند و انقلابی علیه "شیطان بزرگ" به میدان آمد. ها شمیر رفسنجانی خود را از میدان عوام فریبی بیش از همه گلوبا ره کرد و نقش و شعرا را آمریکا کرد. از آنجا هوی "انقلابی" تا اینده ریویزی عا جز آنکه فاصله بسیار نیست آنچه که ما مت شده است رژیم خمینی برای نزدیکی بیش از پیش با آمریکا چنین شتاب ورزد، قبل از هر چیز در واقع شدت بحرانسی آن و ادا جنگ است. رژیم علیرغم تلاش برای فریب مردم خوب می اندک به هیچ وسیله ای از جمله "ا" مذاکرات غیبی" نمی توانند این جنگ ارتجاعی را که روز بروز بر بحران همه جا تشنه شدن می یزدند، خودت را کم کنند. ادا به این جنگ در شرایط بحرانسی عمیقی که موجود است، برای رژیم خطرگسترش مبارزات توده ای و یک انقلاب تازه را به همراه دارد. بقیه در صفحه ۱۱

## "شرط آشتی" با آمریکا!

کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی با خبرنگاران خارجی در بیمن، همچنین صحابه او با شکسته تلویزیونی بی بی سی، این امریکادرامه گذشت و سخنانی او در مراسم ۲۲ بیمن، گواه تازه ای است از اینکه چگونه رژیم جمهوری اسلامی با شتابی روزافزون به امپریالیسم آمریکا نزدیک می شود. این صحابه ها را می توان توبه نامه "فرد شماره ۲" رژیم در برابر امپریالیسم آمریکا بی طوفی کرد. رفسنجانی در مقام صحابه بی بی سی، آن گفت که ما جوان (مفروق فارلن) را فاش نکردیم، برای اینکه نگلی مسائل (یعنی گسترش رابطه با آمریکا) قطع نشود. او ضمن گله گذاری از اینکه آمریکا با قصد از انقلاب در ایران "به عمل کرده است" گفت که برای گسترش روابط، تنها یک شرط داریم و آن این است که آمریکا ثابت کند که ما مردم، دولت و انقلاب، نساخته خودمان را در "رفسنجانی در پاسخ به این سوال که آمریکا چگونه باید "عدم خودت" خود را ثابت کند، برای امپریالیسم آمریکا بی نیام فرستاد که: اگر ۵۰ میلیون دلار ما را بدهد دیگر خودت در کار نخواهد بود.

درواقع شادمان	
★ ما ایستاده ایم .....	در صفحه ۱۵
★ بیمة یکاری حق مسلم کارگران .....	در صفحه ۱۲
★ چگونه کنترل نامه ها .....	در صفحه ۴
★ جمهوری اسلامی، جهنم زحمتکشان .....	در صفحه ۳
★ از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر .....	در صفحه ۸
★ اتحاد شوروی خواهان قطع فوری جنگ شد .....	در صفحه ۲

# زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

### اتحاد شوروی خواهان قطع فوری جنگ شد

در ۲۴مین ماه میولایتی با آندره کیومیکو صدر هیئت رتبه شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو دیدار کرد. در جریان این دیدار رهبران و نمایانان مربوط به مسائل فنی بین و نیز نمایان بین المللی مربوط به دو کشور ملاحظاتی جدی صورت گرفت. کیومیکو در صحبت خویش با ولایتی با قطعیت موضع جنگ طلبی رژیم خمینی را محکوم کرد و با صراحت اعلام کرد: «به نفع مردم شما نیست که قبرستانها بنا شود. اگر جنگ در این کشور با ولایتی با قطعیت باقی بماند، ما با بیستی دنبال راه حلی هستیم که بتواند این جنگ را منتهی کند». در ادامه گفت: «ما انتظار داریم که این جنگ با یکدیگر با راهبهرهبران ایران گفته ایم». او با تأکید بر ضرورت اولویت مذاکره برای ختم جنگ گفت که بیست جنگ حتی برای یک روز نیز نباید ادامه داد. «شوروی همواره خواهان قطع فوری جنگ و انتقال بلادرنگ این درگیری به راه حل های مسالمت آمیز سیاسی بوده است...»

رسانه های رژیم که جریان دیدار ولایتی با مقامات رهبری اتحاد شوروی را با آداب و تائیدات داده اند، برای برده بودنی مواضع شرفروسانه صلح خواهانه اتحاد شوروی، به نقل از «مذاکره» انتقار سخنان کیومیکو درباره قطع جنگ و مداخله در افغانستان خود را می ستودند. ولی دیگر هر چه روشن است که اتحاد شوروی از همان آغاز جنگ خانها سورمیان دو کشور، خاصه آن را ملاحظه کرده و برای پایان دادن به آن تمامی توان خود را بکار بسته است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در شرایطی برای قطع جنگ با فشاری می کنند که امپریالیسم آمریکا، بعنوان سرکوبنده امپریالیتهای عالم، برای ادامه جنگ و ولایت هر چه بیشتر مردم با تمام توان به گوره جنگ می دهد و رژیم خمینی را با توجیهات و تبلیغات چند صدگانه می راند. علیت بیرونی است: کشورهای سوسیالیستی، کشورهای که طبقه کارگر وجود دارد و حکومت بر آن حاکم است، به نفع صلح و دوستی با چین می گویند و امپریالیتهای از منافع سرمایه داران و زمینچین حاکم بر امرایان استثنائی می کنند. اظهارات صدر هیئت رتبه شوروی با قطعیت اتحاد شوروی درباره ضرورت قطع جنگ و جلوگیری از گسترش بیشتر کشورهای کشته شدگان جنگ از یک طرف و زدودن های خمینی باریگان از طرف دیگر را دیگر عوامل فنی های آخوندها درباره «یکسان بودن شرق و غرب» را بر سر می زند.

روزنامه ای اروپا ده های سازمانی با تدوین و نشر بیانیه ای شده است، «مبارک درمک و خلیف جاب و پنا کار در داخل کشور را شکر گذارد، اما با اینکه کار را امروز فعلی ترین و موثرترین و پر خواننده ترین نشریه انقلابی در داخل کشور است. نشریه «کار» اساسا برای داخل و متناسب با شرایط و امکانات مادر کشور تهیه می شود. حجم نشریه، صفحه بندی آن، ترکیب مطالب آن و حتی نشر آن با توجه به ضرورت جاب و انتشار نشریه در داخل و برای توده ها و متناسب با این وظیفه تعیین می گردد. ما کوشیدیم برخی از وظایف کار را به «اکثریت» محول کنیم تا «کار» با نظم و انضباط در خدمت مردم داخل کشور قرار بگیرد. کار را افتتاح می کنند که به دست فدائیان بکارگزاران سازمان کوچک به گونه ای که به بخش می شود می گویند تا برای اینجهام جانبازی، در فنی شایسته باشد.

اکتوبر، در این زادروز خنده گرامی می گذاریم و رخ روزم تک با باران و همزمان دلیری را که در شب خوبتر حکومت فقها و با جانبازی و ایثار شکر مینماید، کار را تکثیر می کنند و تا به داده، همچنین نذرهای آگاهی و انقلاب، از ادوینسه بارآورزنگاه خلق می فشانند. شمار فقا، پیام آوران آینه های سبز پنهان بین مردم خود را، کار را هر چه جا نانه تر به کارگران و رنجبران، به همه مردم مستبد شده و بکارگزاران ایران برسانند!

اکنون، در این زادروز گرامی، بیاید و رژیم بیاد یارانی را که روزگاری برای «کار» کوشیدند و رنج بردند، و امروز دیگر در کنار ما نیستند. یارانی که جای شان در جمع هیأت تحریریه کار، و در میان ما خالی است. اما یادشان، به عطر دل انگیزه ستی سراسر کار و پیکاران، همواره در کار و در سراسر زمان است. بیاید و رژیم رفیق غمناکی را، تصور فرود آمدن سوزان را، انسان وارسته را که به «سرم سردی» کار و بنجم زردین در کوربهی سوزان فدائیان خلق به جوهه اقدام سیر شده، رفیق غمناکی را، یارانی که جان بر گف با زمین در روزهای سخت نبرد با شاه، و این سازمان کارگر سازمان در روزهای سخت نبرد با خمینی، چه شکنجه هایی را با طردن با اجرمت «کار» و حیثیت سازمان متحمل شد. چه کوشش هایی کردند و دشمنان را و را بزار نور آرد و در و بکنند، چه شکستی خوردند

### در تدارک کنگره

بنا به تصمیم بلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی برای بزرگداشت نخصتین کنگره سازمان، هیئت سیاسی کمیته مرکزی موظف گردید، شرایط ضروری برای اجرای قرارداد بلنوم فروردین در این زمینه را فراهم سازد. بی تردید برگزاری نخصتین کنگره سازمان نقطه عطفی بزرگ در حیات سازمان خواهد بود. برگزاری کنگره اساسی ترین کام در راستای مشارکت موثر اعضا در سر و کلاه سازمان و در تصویب اساسنامه بنیادین سازمان است.

کامیابی بزرگ کنگره در آن خواهد بود که سازمان بتواند به اساسنامه علمی دست یابد و بر آن اساس وحدت سازمان را تحکیم و توان انقلابی آن را هر چه شکوفاتر سازد. برای حصول به این هدف مقدس ضروری است که با بر خرد جمعی تکبیر گرد دورا آنها و شیوه های در نظر گرفته شده که همه اعضا را سازمان بتواند دعوت کند، در مساجت کنگره شرکت جویند و نظرات خود را ببارا مون پیش نویسی اساسنامه کنگره ببارا زارند. شرکت فعالانه اعضا در روند تدارک کنگره در خدمت دستمایه ما باشد. علنی، تحکیم وحدت اندیشه و عمل در سازمان، پرورش کارگر، بر طرف کردن ضعفها و تقویت رابطه ارگان های رهبری کنگره با اعضا است.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان اکنون تصمیم گرفته است درباره تدارک کنگره، اساسنامه ای بلنوم فروردین ماه ۶۵ به بحث درون سازمانی گذاشته شود. بدین ترتیب که نقایب کنگره و پیشنهادهای سیاسی روی این اساسنامه در اختیار برای کمیته مرکزی ارسال خواهد شد تا با مطابق شرایط کنگره تصویب

دور جدید گسترش فقط ظرف ۱۵ روز برای جنگ شهرها، ۲۹ شهر برای ۹۶ صمله هوایی شدت بمباران شدند که حاصل آن ۱۷۷۶ کشته ۶۱۶۲ مجروح بوده است. بر اساس گزارشهای خبرگزاریهای جهان، در دور جدید جنگ شهرهای بیش از ۳۰۰۰ نفره قتل رسیده و متجاوز از ۹۰۰۰ مجروح و مفلول شده اند. در میان آن بیانه نزدیک به ۹۰۰۰ خردسال و نوزده غنچه های امید زندگی دنیا خانواده رحمتگشای بودند. در آتش و دود سوختند و بیش از ۱۵۰۰ دختر و بچه کشته دیگر برای تمام عصر مفلول شدند. در سنج طی چند دور بمباران، بیش از ۲۰۰۰ نفر در میان خون و اسلام آلودگی از زمین آلودگی و مفلول شد و بمبارانها شست و نا بوده گردیدند.

مردم دردمند ایران! هر روز که از معزایین رژیم جنگ افروز و آدمکش میگذرد، بر وسعت و عمق تاجعه ملی که گریبانگیر کشور شده است، افزوده میشود. اکنون کمترین خسارت روستا و حتی کوجه و خیابانی را نمیتوان سراغ گرفت که در غم عزیزان از دست رفته، ماتمورده نباشند. سراسر کشور سیاه چون است، اضطراب و نگرانی بی سنگینی تمام بر همه جا مسوولی است. با این حال طرفین جنگ تهدید کرده اند که با یکبار گرفتن روئهای تازه در جنگ شهرها، میزان تلفات را تازه برابر کنونی افزایش خواهند داد. دستور تشکیل سپاه ۱۰۰ هزار نفری «مهدی» که اخبار از سوی خمینی صادر شد در جهت تداوم خونبار ترنجامی بزرگتر در آینده بزرگ است. خمینی برای تکمیل هر چه سریعتر سپاه ۱۰۰ هزار نفره، دست نگار جهان انسان را در کارخانه و مزرعه، در خیابانها و مدارس، در دانشگاهها و ادارات و هر جا که جنبه های است. مطابق با ساز گذاشته است. این جنگ تمام مایه های مردم دو کشور و به سود امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی جریان دارد. اضرار خمینی در تداوم چند روز خدمت استراتژی امپریالیسم آمریکا و توسعه مواضع استراکرا نه در منطقه است. امپریالیتهای مخالف با این بافتن جنگ به سودی از دوطرف هستند، آنها به هر دو طرف درگیر، سلاح و اطلاعات جنگی می دهند تا به جنگ ادامه دهند. خمینی برای ادامه این جنگ خویشی، دستهاست که به زدودن امپریالیتهای مستبد و خائنانها انتهای اسرائیلی ها متعلقه می کند. خمینی منافق و مصلح کشور ما را بر سر این سلطان بزرگ قربانی می کند تا با کمک او تمام کشور را بر اثر آذای جنگ برباید، دهشتن هزاران نفر دیگر را در صلح جنگ قربانی کند و دهشتن

دهشتان را، او را، یک بار زینت کنه کشند، و یک بار بر سینه دیوار.

و بیاید و رژیم رفیق سعید سلطانی، شاه عسکر بیگاری و چریک فدایی خلق را که هنوز ترانه ها و سرودهای انقلابی سازمانی «کار» را زبانه می کند، ترانه ها و سرودهای که رنج رژیم و جانمانه امید جنیش ما را می گوید، و ترا می خواند همواره، کار بر جمیع رخ به کف گیند و بیه میدان رزم در آید.

بیاید و رژیم رفیق منصور انگنوری را که به نخصتین شماره های «کار» در دستگاران جای گرفت و برای جبران از گردن آن جانانته رنج برد، او با اقلیت همراه شد، اما خاطره اش برای همه فدائیان همواره گرامی خواهد بود. در خمین خمینی چه دهشتنانه کار می بیکار و راجون کیند و دهجه نامردانه اعصابش کردند.

هیئت سیاسی رسیده و به حوزه ها و کمیته های سازمانی ابلاغ شده است. در یک بولتن بنام بولتن کنگره که بطور مرتب انتشار می یابد درج کرده.

تلاش هیئت سیاسی است که تا انتهای بولتن کنگره در خدمت تدارک کنگره و تدارک کنگره در خدمت تا زمین آزاد و احداثی تا حول سرتا مه و اساسا تا مه و خطمی انقلابی قرار گیرد. موفقیت ما در برگزاری کنگره و فرا ترا تا موفقیت ما در تا زمین وحدت از اده و ایدیه همه نیروهای سازمان تجربه و درسی بزرگ و تاریخی برای مبارزه طبقه کارگر زمین ما و همه رزندگان راه آزادی آن است.

بیاید و همه هیئت سیاسی کمیته مرکزی به همه کارها و افعالی سازمان است که راه غلبه بر انچه سنگین و دشواری که فرا روی ما قرار گرفته، راه غلبه بر بیورهای رژیم، مقابله با خلات جریانهای های بیورژواکی و خود بیورژواکی و تدارک یک کنگره پیروزمند، در تلفیق صحیح و همزمانه این وظایف از طریق کار بست همه شور انقلابی، آگاهی طبقاتی و همه خلاصتینا و ابتکار است. فقط در این صورت است که شرکت فعال همه اعضا در مباحثات استناد در روند تدارک کنگره می تواند تحقق یابد. بیاید هیئت سیاسی است که امروز کنگره دستورالعملها و کاستی ها در باره ما قلمی کنند، اما ما بر چه چیز ایم ما به تندیسه تا رگبستی نینسیتی و رها بیستی رحمتگشای ایران بر فرا روی ما لا ترا از آن دیوار خنجرها هتزا و ایستاده است، ایمان در آن که دست دست هم نشانه ها تا به سیخ خنجرها و نخصتین کنگره ما را بیورزمندان بزرگوار خواهیم کرد. بیاید نیروی وحدتی رزمنده تر، بیاید نیروی خلق قهرمان ایران، این رژیم پلید و جنا بیکار را درهم خواهیم شکست.

نقطه مسکونی دیگر را به ویرانی کند. مردم صلح دوست و تراقتمندان ایران! متحد و یکپارچه با خیرید و با تندیسه ما روزه علیه جنگ و رژیم جنگ افروز، اجازه ندهید که کشور بیخ از این در غرق آب آتش و خون نا شود، ننگار رید که جامعه های عظیم تری که رژیم برای مردم و کشور تدارک دیده، مظلوم وقوع بخود گیرند.

نیروهای صلح دوست و ترقیخواه! هیچگونه تا خیرد تا زمین اتحاد عمل گسترده حول شعار صلح علیه رژیم جنگ افروز و جنا بیکار خمینی محاز نیست. ما هانگ کردن مبارزه با طرقت جنگ و سیخ مردم علیه جنگ و رژیم جنگ افروز، مطابق با لفظ از همه ما نیروهای انقلابی، دمکراتیک و مترقی است.

نیروهای صلح دوست جهان! برای قطع این جنگ خانها سور که قریب سه سال تمام ادامه دارد، هنوز هیچ افق روشنی متصور نیست. لحا جنهای رژیم خمینی، تلاشهای صلح خواهانه مجامع و محافل دمکراتیک بین المللی را بی نتیجه گذاشته است. این جنگ برای مردم دو کشور صهیونیستی هولناک و هردم تازه تری می آفریند. این جنگ کشتی و ما چرا جویانه است. تهدید جدی علیه صلح در منطقه و یاد در همه جهان است. تا گذشت هر روز، این جنگ خطرناک دامنه و انبساط نگران کننده تری بخود میگیرد و مستمرا بوجبه استحکام مواضع امپریالیسم تشارکارا بر سر کا در خلیج فارس می گردد. قطع بندنگ این جنگ، اعلام آتش بس و استقرای صلح فوری، مستلزم تشدید فعالیت همه نیروهای متحد دوست و ترقیخواه جهان است. ما به هر چه سریعتر و هر چه قاطعتر جنگ افروزی خمینی حکومت کرد و فرود و ارسال جنگ افروزی و تبلیغات به این رژیم قطع شود. تحت فشار قرار دادن رژیم جنگ افروزی خمینی سخته منظور صلح و تمکین اولیه صلح از سوی همه مراکز مجامع، محافل و شخصت های معتبر بین المللی، مطالبه عاجل مردم ایران است.

زند با صلح  
مرگ بر رژیم جنگ افروزی  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان  
خلق ایران (اکثریت)  
۲۵مهر ۱۳۴۸

و بیاید و رژیم رفیق نورزین شریفی را که تا هنگام اسارت، برای انتشار کارگردار کا بود و او را از اساق صفحه بندی تا مرکز جاب «کار» را بیکسرا تا همرا می کرد، بیاید و رژیم و سرمشق قرار دهیم با بیستی سرنگار و زبانه آزاران و به راهی و دلیری کمناشی را در باره یاری جانانه اجرمت سازمان ما.

آری، خط سرخ «کار» نشان از خون یاران دارد. در این آینه انقلاب به احترام نکر کیند و اسرا گرامی می یاد آید. اما کاستی ها و خطهاش بیکار کیند برای اینکه غنی تر و بارور تر نشانی بیاورد. بیاید و این درشتی مردمی، بسرخ آتش انقلاب در جمهوری جعل وستم شمله و گردید، و راه توده ها را بسوی پیروزی فردا بر توافقت باشد.

### جمهوری اسلامی، جهنم زحمتکشان

**چنگک** ما نند جهنمی هولناک همچنان زبان می کشد و جان و مال و هستی مردم را میسوزاند و خاکستر می کند. بمبها بر سر مردم فرو میریزند، شهرها گلوله باران می شوند، همه در اضطراب و هراس اند. کسی نمی داند که روی فردا و یا ساعتی دیگر خواهد دید یا نه. کشور به ویرانه های تبدیل شده است. گورستانها با گور کشته شدگان جنگ هر روز گسترده تر میشوند. ولی خمینی خون آشام و بیارزش هنوز بی طبل جنگ می کوبد و قریباً نیا بشتری می خواهند. جوانان باید مدام مراقب خودشان باشند. زیرا ما مورین خمینی در خیا با آنها، در گنگاهای شهرها، در محل های کار، در سینماها، در همه جا و همه جا بدینال جوانان ۱۳۶۵ ساله اند تا جهت اعزام به جبهه های مرگ نیستی دستگیرشان کنند. رژیم "سیاست اقتصادی نوین" اش هر روز بخیش وسیع تر از کارگران و کارمندان را بر سر دوار هستی رژیم بیکاری قرار می دهد. از دسترنج زحمتکشان به انکال مختلف صلیبی راجعت کمک به جبهه کسری می کند. دهها هزار تن کشته و غنبل شده اند و خانواده هایشان در ابلاب پیوسته می یونند. جنگزده آواره اند. از دم عفریت جماران آتش جنگ همچنان زبان می کشد.

**سرکسوپ** و اختناق بی باق است. رژیم می گوید داده بود زندان اوین رانه موزه تبدیل کنده تنها زندانی سابق را از زندان انقلابی میسوزد. از کمونیست ها اینها شده است بلکه مدام زندانی های تازه ای می سازد. سپاه، ساواک، بسیج، حزب اللهی ها و تمام افراد دست و شور و خون آشام را صلح کرده و به جان و مال و ناموس مردم مسلط کرده است. تا دهان هر معترضی را به زور بندوا هستی زندانی و شکنجه گاهها کنند. مزدوران خمینی در همه جا در کارخانه، مدرسه، دانشگاه، اداره، دانشگاه کچه خیا با ن، همه جا و همه جا حضور دارند. دهها هزار تن از بهترین فرزندان مردم در زندانها و شکنجه گاه ها اسیرند. هر چند گاه دهها تن تیرباران می شوند.

**گروانی** بی باق می کشد. مردم ایران در طول سالهای اخیر هرگز چنین گروانی و خشکانی را با خا طردنارند. گروانی فقط منحصر به یک یا چندگان نیست همه چیز گران است قیمت ها روز بروز وحشیانه ساعت با ساعت بالا می رود. سفره زحمتکشان هر روز وحشیانه و خالی تر می شود. از کودکان شیرخواره گرفته تا سالخورده گان همه در زیر بار گروانی خرد می شوند. تا جایی که از آن است جان آنها نجات است که هزارها در جبهه ها خاک می افتند و یا بر اثر گروانی دار و دردمان در پیش چشم عزیزان خود جان می دهند. مردم نیز فقط برای آنکن که می میرد از آن است. زیرا خرج دفن و کفن و عزای بسیار برای زمانندگان او عزای دیگری است. کمیابی کالاها و روزگار مردم را سیه کرده است. مردم از گزاینده های حاضر با شندگالایی راجعتند. برای بر قیمت آن نرزشه کنند. باسانی موفقی نمی شوند. با بد ساعت با وحشی روزها گشت ساعت ها و حتی از کله سحر در حرف های طولانی استناد. هزاران رنج و مشقت را تحمل نمود تا شاید جسی راجعت برابر قیمت آن پیدا کرد. و تازه ممکن است پس از چندین ساعت انتظار جسی تمام شود. کمیابی نیز منحصرا به یک یا دوگان نیست. از شیرخاک برای شیرخوارگان گرفته تا داروهای بسیار ضروری و حیاتی همه چیز

ما استفاده ایم. رحیمی دستور داده که همه با دستهای بریند. چهار روز روزی تخت افتاده بودم و خون دراز می کردم. \* \* \* سلول جدید، محار و حمام بودند که علاوه بر زندانیان، نگهبانها هم گنگاه به آنجا می آمدند. آنروز با سدا راجعت نفی در شلوغی تمام با هم حرف می زدند. میان کلاشان، نام "رضی" را که شنیدم، گوشها میم تیزند. گوشم را به دیوار چسباند. \* \* \* عجب آدمی است. هفت ساله روز و ریزان بود، کابل خورد، و یک کلام نگفت، حتی در بازجویی هم حاضر نشد تا زمانی را محکوم کند. \* \* \* حیف نیست که چنین آدمهای با اعتقادی، کمونیست باشند؟ \* \* \* اینها را زودتر از همه باید سربسته نیست کنیم، چون خطرناک ترند. \* \* \* وجودم از غرور لبریز شده بود، بی اختیار در سلول قدم میزدم و شتر می خواندم. حاسبه دلاوری رفیقان دشمن را همه تحسین و ادائش بود. دلیم میخواست دوتاره زرقینی را ببینم. آن لخنسند مهربان با آن چشم های پر فروغ.

و همه چیز کمیاب است. گاهی اتفاق می افتد که برای گرفتن نان خالی جهت سیر کردن شکم بایست ساعت ها در صف ایستاد. نفت کافی برای گرم کردن سربینه وجود ندارد. ولی آنچه که کمیاب نیست مزدوران رژیم، با سدا ران، کمیته جی، بسیجی ها، گشت های رنگ و رنگ و غیره و غیره است که در سر هر گذری خریا با نی و هر کجوه ای مزاحم می شوند.

**بیکاری** و خشکان اربان دیگر رژیم آخوندها و سربا به داران است. نه تنها کارخانه و کارگاه های سخی ایجاد نمی شود بلکه کارخانجات موجود نیز یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و یا بخش هایی از آنها از کار می افتد. رژیم کارگران را دسته دسته و حتی در مواردی هزارها را از اخراج می کند. بنا به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی (نیم آذر ماه ۶۵) سرخیزنده روزیکار رژیم خمینی گفته است: "فرض بر این است گذاشته شده است که ۱۱۰ الی ۱۵۰ هزار نفر از کارگران شاغل در واحدهای صنعتی بزرگ در واحدها بیکار شوند. در شرایطی که کارگران و کارمندان شاغل در زیر بار گروانی و کمبود... خرد می شوند. بیکاران و کارگران اخراجی چگونه می توانند از عهده اداره زندگی سر بیاورند؟ روز بروز بر تعداد بیکاران افزوده می شود. میلیون ها بیکار در بندر بندبند کار می کنند و بی گناه کجاست کار سواره است و بیکار بی باق. خطر بیکاری هموار است و ناگهان آتش می کشد. هر شالی می کشد است از همین فردا کار خود را از دست بدهد و به میلیونها بیکار ملحق شود.

**مالیات** ها کمترین شده است. رژیم از هر چیزی مالیات می گیرد. مسئولین رژیم گفتند از سال ۶۶، ۵۰٪ از بودجه کمور را از طریق اخذ مالیات تامین خواهند کرد. رژیم مالیات ها را عمدتاً از مردم زحمتکشان می گیرد.

**رشوه خواری** دزدی و فساد در ادارات رژیم به سری عادی تبدیل شده است. مسئولین رژیم که مردم را به تقواعت می کشند، کرور کرور می چابند، دزدی و فسادندری است که حتی خیران - خیرندیزی های و زرا و مسئولین وزارت خا با و آخوندها - سینه روزها به های جیره خواری نمی نوزد می کشد.

**دیگر کار** بی باق آخوندهای تبهکار مردم را با آتش جهنم در آن دنیا تیرا می کشند. زیرا جهنم جمهوری اسلامی از هر جهنمی سوزاننده تر و بی رحم تر است. اگر در جهنمی که آخوندها برای ترساندن و طبع ما خستن مردم وعده های راهی دهند گویگان نخواهند سوخت، در جهنم خمینی از کودکان شیرخواره گرفته تا پیر مردان و پیر زنان سالخورده و خانه نشین، همه می سوزند و خاکستر می شوند.

ولی این همه مصیبت برای همه است؟ گروانی بیکاری چه کسانی را با خاک سپاه نشانده است، کمیابی برای کیست؟ آتش جنگ جان و مال و هستی چه کسانی را خاکستر می کند؟ آیا درمان اینان از سرما به داران، تاجران، زمینداران، شروتمندان و آخوندها و... می توان بیدار کرد؟ \* \* \* این مصیبت ها همه نصیب کارگران، زحمتکشان و افراد کم درآمد جامعه است. سربا به داران غارتگر، تجار باران، شروتمندان، آخوندها و کارگران رژیم آخوندی نه بیکارند، ونه از بیکاری می ترسند، نه گروانی را احساس می کنند. در سیم اعزام فرزندانشان به جبهه ها هستند. آنان همچنان سرگرم جیبال و عشق و نوشاندند. جنگ برای آنها نعمت الهی است تا سدا به آن منلیا درها شروت بیاندوزند. رژیم خمینی پس از چند روز ازین سعادت دست داد. آخوینس ۵ شنه مردان ما و وقتی که به بیبا رستان رفتند بودم، توانستم او را ببینم. در این بدتی که سبزا و گذشته بود - که هر لحظه ای یک روز و هر روز یک سال می گذشت... مثل شمع، قطره قطره آب بود. از او اسکت باریکی باقی مانده بود که روی آن پوستی کشیده باشند. به چشم های مثل اینکه فلقل با شنه باشند سرچو رو کرده بود. تلبر عم تحلیل رفتن جسم، نگاهش همچنان آمندوار و محکم بود.

به محض آنکه چشمها را باز کرد، شناخت. مهربانانه لبخند زد و فقط پرسید: هستی؟ با سربا نشن دادم: هستم. بلک ها را به آرای می رویم گذاشت، مثل اینکه آرام و سبک تر شده باشد، تکانی به بدن نحیفش داد. دوباره چشم باز کرد. نیروی بیشتری از بدتی را به خویش فرا خورده بود. من هم هستم، و برای آنکه نفسی تازه کند، سکوت کرد. دوباره پرسید از بنیه چه ها بگو. حالش را چطور است؟ یک لحظه فراموش کردم که ممکن است، نگینا نها سربزند. کنارتختن نشستم، دستهای استخوانیش را درست گرفتم و بند بند شرو به حرف زدن گسردم. از هر کدا زمان که می گفتم، چهره اش شگفته سرد و

**رژیم آخاست**. می گویند به ناز یکی از پادشاهان گفتند که مردم نان برای خوردن پیدا نمی کنند، امر کرد: شیرینی بخورند. در شرایطی که روستائیان تیره روز بندبند سال لقمه ای نان هزارا ربه شهرها را زیر می خورند. رهبران رژیم کارگران را دسته دسته اخراج کرده و به آنها توصیه می کنند که به روستاها بروند و در آنجا کشت و زرع کنند. (۱) در شرایطی که مردم گاهی برای گرفتن نان خالی ساعت ها در صف نا نوایی ها می ایستند و اصبح زود جلوی مناره های گوشت فروشی صف می کشند و برای گرفتن ۴۵۰ گرم گوشت در سه هزاران منت و میرا رت می کشند، آخوندها و تاجران به مردم توصیه می کنند که قناعت کنند و از استسراف بپرهیزند چون شور در حال جنگ است و خسارت از اسراف کنندگان نا خوش نمی آید.

**چساره** چیست؟ طبقه کارگر، دهقانان و زحمتکشان شهر و ده برای خلاصی از این جهنم فقط و فقط یک راه دارند: مبارزه. مبارزه علیه این دشمنان میسوزم، مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی و برقرار کردن حاکمیت خودشان. بنا به بدتن به زورگویی و استسگری داد. بقول معروف "اشک کباب موجب طیفان آتش است" برای مبارزه با گروانی، بیکاری و جنگ و... تنها راه مبارزه است با مدف های جلوی مناره و غیره رابه مبارزه اعتراض و تظاهرات تبدیل کرد، با بدتن سربا ران و مسئولین مخالف جنگ با یاری رسانده با بدتن به اخراج و با خریدنداد، با تجمع در برابر ادارات رژیم، علیه رژیم مبارزه کرد. باید در برابر جاسوسان، خیرچیان و مزدوران رژیم سینه هم دیگر بگردد سازمانهای انقلابی کمک کرد. با بدتن خا نواده های زندانیان سیاسی با یاری رسانده همرا ه آنان در اعتراضاتشان شرکت کرد. مبارزات را باید گسترش داد، هماهنگ کرد و برای واژگون کردن تخت خلافت خمینی متحد شد. با سدا ر همین امروز بکسر حکومت فدایی ایران بونتا زمانی که سرمایه داران و مسئولین جبالت بر سر کارند وضع همین خواهد بود. باید رژیمی را بر سر کار آورد که در آن سرمایه داران و تاجران با ران، زمینداران، آخوندها، زندان و غارتگران بلکه خود مردم ستمدیده بر سر کار باشند. باید خود کارگران و زحمتکشان رشته امور را بدست گیرند.

**مردم ایران** بیکار ترحوب کرده اند که سرنگون کردن یک رژیم مصلحتی بدون بر سر کار آوردن یک رژیم انقلابی برخاسته از میان زحمتکشان و مدافعان محرومان و ستمدیدگان دردهای اساسی آنها را درمان نکرده است. استه سلطنت طلبان خواستار برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان است، سینه مهندس بازرگان که خود سربا به داران است دلش بحال مردم میسوزد و آنها تیکه در بندر بندبند لجن حمایت امیرالیم و راجعت در مبارزه علیه خمینی هستند می توانند از کارگران و زحمتکشان در برابر سربا به داران و غارتگران دفاع کنند. طبقه کارگر، دهقانان، زحمتکشان شهرها، کارمندان جز، فرهنگیان و تمامی آنان که ستم سرمایه داران و آخوندها به فلان آمده اند برای نپایی همبستگی برای عدالتی و استعمار و دست آوردن آزادی واقعی و تمامی استقلال کامل کشور را بدست می آورند. کمونیست ها مبارزان واقعی ملج، استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم، نه سنگرزمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به بیوندند.

تا دما ن ترمی شد. آتش دروش با تماس دستها، به من هم منتقل می شد. وقتی برای گفتگو ملاقاتی هما گفته شد توسط دستگیری رهبری سازمان عقیم مانده و تعریف کردم که بچه ها در سلولها و اتاقها آن روز را چن گرفته اند، روی دیوار سلولها کوبیده و رقصیده اند. وقتی از حال خود گفتم که آن روز مثل دیوانه ها از در و دیوار بالایی رفتم و بی اراده زبیرا و آزی زدم، دیگر کسی نشسته بود همان خنده های آشارا می کرد، گوی یک باره و به تمام زنده شده بود، گوی از آنهمه درد، چیزی مانده نبود. شادی می کرد. با یان گفتگو گفت: - هر کدا ما ر بچه ها را که دیدی سلام مرا برسان. به همه شان بگو که همین طور محکم باشند. از هم جدا شدند، و من آتش قلب فروزان را با خودم سسرای دیگران می بردم. این آخرین باری بود که در سسی زدیدم. دودست نه سال بعد در چنین روزها یکی خیرت برایش را شنیدیم. رفیق، برادر، دوست و تیکه که بزرگی را از دست داده بودیم. بچه ها غصه دار بریز غرور و مزه می کردند: آواز خوان گذشت ولیکن ترانه اش، گل می کند به منده کوهبا می ها، خورشیدهای شب زنده باد یک می شوند، یک روز از کمیته که ترانه را با سه ها

## برای مهار گروانی و بیکاری علیه جنگ پا خیزید!

### چگونگی کنترل نامه ها

مکانیته بستی از مهمترین کانالها برای یک سری ارتباطات سازمانی، تبادل اخبار و اطلاعات سیاسی و رساندن مطالب تبلیغی برای نیروهای انقلابی است. اما در عین حال دستیابی دشمن به اطلاعات تشکیلاتی، اخبار سیاسی گوناگون که از طریق نامه منتقل می شود، نیز خطرات بسیاری برای شبکه های انقلابی می آفریند. دشمن به خوبی می داند که بخشی از نامه های که بین داخل و خارج یا دو نقطه از کشور رد و بدل می شوند، یا از جانشین مسئولین شبکه های سازمانی است که حاوی اطلاعات معینی از فعالیت سیاسی سازمانی آنهاست و یا از سوی مراکز رهبری است که حاوی برخی رهنمودهای سیاسی و سازمانی است. از اینرو دشمن نیروی بزرگی را برای کنترل و کشف این نامه ها متمرکز کرده است. دشمن با کشف نامه های که بدون رعایت موازین و موازین تشکیلاتی است، اطلاعات وسیعی را درباره چگونگی و مراکز فعالیت افراد و شبکه های سازمانی بدست می آورد. دشمن با دنبال کردن اطلاعات مندرج در این نامه ها، طی یک کار رسیست طولانی و با حوصله فادرمی تودحتی به شبکه کامل فعالین دست یابد. نوشتن آدرس و غیراقتنی در پشت پاکت بهیچوجه نمی تواند دشمن را مانده از حد هويت و آدرس فرستنده را تضمین کند. دشمن با کشف و پیگیری در های مطرح شده در نامه ها و جستجو و کشف نامه های که بعد از آدرس فرستاده گردیده است، ارسال می شود، به اطلاعات وسیع گسترده دست می یابد. و با آرایش پیگیری سرتیها موفق می شود، اطلاعات خود را درباره شبکه سازمانی فرستنده نامه افزایش دهد. علاوه بر نوشتن آدرس پیگیری خارج منجر به لورفتن نامه ها می دیگر گروهها و افرادی که ممکن است با آن آدرس مکاتبه داشته باشند، می گردد. بر اساس آنچه گفته شد، کانال مکاتبه بستی می تواند یکی از مهمترین نقاط ضعف و حلال کل ری ترین ضربات به سازمانهای انقلابی باشد. برای برطرف ساختن این خطرو بهره گیری از امکانات بستی جهت پیشبرد فعالیت انقلابی، بیین از هر چیز باید چگونگی سیستم کنترل مکاتبات را شناخت و وسایل بکارگیری روشهای درست تشکیلاتی دشمن را در این خصوص حقیقت نمود. مطلب حاضر با همین هدف تنظیم شده است. در عین حال اطلاع دقیق از کم و کثیف و مکاتبات کنترل نامه ها در مراکز بستی ایران و ارسال مشروح آنها به رهبری سازمان های انقلابی می تواند در تکمیل این توضیحات و اتخاذ روشهای مطمئن تری برای مقابله با کنترل نامه ها نقش مهمی ایفا کند.

\* \* \*

پلیس سیاسی هر کشور دارای بخش ویژه ای برای کنترل تشکیلاتی مکاتبات داخلی و خارجی است. این بخش دارای کارمندان، وسایل و آرایشگاه مخصوص به خود است. در مراکز بستی کشور نیز سیستم مخصوص وجود دارد، که ما موران اطلاعاتی رژیم در اینجا عملیات کنترل نامه ها را انجام می دهند. علاوه بر ما موران اطلاعاتی که گماره شده در مراکز بستی رژیم بسیاری از کارمندان این مراکز را افراد مورد اعتماد دووا بسته به خود برگزیده است که از آنها نیز برای کنترل نامه ها استفاده می کند. حتی در مواردی که بتوانند نامه ها را از انبیره همکاران با ما موران ساواک خمینی جلب می کنند. نامه های که در هر شهر به آدرسهای داخل و خارج بستی می شوند، از بخشهای متعددی کنترل می گذرند. بخشهای مزبور زیر نظر مستقیم ساواک خمینی قرار دارند. با بدو توجه داشت که نامه های خارج علاوه بر این بخشها، در مراکز بستی امپریالیست نیز بستی کنترل، در عین حال از مراکز بستی اطلاعاتی است. اطلاعات این نامه ها توسط ارگانهای پلیسی و جاسوسی کشورهای غربی علیه سازمانهای انقلابی مودا استفاده قرار گرفته و با بر اساس همکاران های رسمی و غیررسمی موجود به ساواک خمینی فروخته می شود.

**اهدافی که ساواک خمینی از کنترل نامه ها دنبال میکند عبارتند از:**

- کشف اطلاعات سیاسی، تشکیلاتی و امنیتی در مورد سازمانهای انقلابی.
- قطع کانالهای ارتباطی بستی بین واحدهای سازمانی و مراکز رهبری، محروم کردن آنها از کانال بستی برای برقراری ارتباطات سازمانی، جلوگیری از ارسال اخبار و اطلاعات سیاسی به مراکز رهبری در خارج و همچنین مطالب و رهنمودهای رهبری به شبکه های سازمانی.
- پیشبرد برخی اقدامات خرابکارانه از طریق دستکاری در مکاتبات.
- جلوگیری از رسیدن نشریات انقلابی به دست فعالین و هواداران جنبش انقلابی و مردم.

جلوگیری از در زور خروج اطلاعات اخبار منظم و اسناد سری حکومتی.

علاوه بر اهدافی که کنترل مکاتبات علیه سازمانهای انقلابی دنبال می کنند، اهداف مختلف دیگری از جمله ارزیابی از سبیل مطروحه در میان مردم نیز مورد نظر رژیم می باشد.

**مکاتباتی که بطور مشخص مورد کنترل قرار میگیرند عبارتند از:**

- مکاتبات با آدرسهای علمی و یا لورفته سازمانهای انقلابی، محافل و شخصتهای ضد حکومتی.
- مکاتبات با کشورهای که مراکز ارتباطی سیاسی سازمانهای انقلابی در آن فعالیت دارند و مکاتبات نواحی بحرانی داخل کشور.
- نامه های که حجم غیر عادی دارند، نامه های بسیار حساسی و یا تمبروری در بکات و اغلب نامه های سفارشی.
- آدرس هایی که مکاتبات متعدد و غیر عادی دارند و نامه های که هم زمان چندین عدد یا خط و پاکت و حجم بکسان به آدرسهای مختلف بستی می شوند.
- نامه های بدون آدرس فرستنده یا آدرس آشکار و غیر واقعی.
- نامه های رسیده به صندوق های بستی ناخدا.

کنترل نویسنده یا تعداد نامه ها در هر یک از کشورها، یا مناطق و شهرهای مختلف ایران.

#### بخش کنترل نامه ها و مراسلات چگونه عمل میکنند؟

۱- اولین مرحله کار بخش کنترل، جدا کردن نامه ها و مراسلات مورد نظر (مشکوک) برای باز کردن آنهاست. در کشورهای پیشرفته غربی، این مرحله توسط دستگاههای پیشرفته الکترونیک و کامپیوتری صورت می گیرد. در کشور ما نیز این کار با سیستم مکاتبات نیمه اتوماتیک در مراکز اصلی بستی تهران و یا به صورت تفکیک دستی نامه ها در مناطق بستی تهران و مراکز بستی شهرها انجام می شود.

مراکز اصلی بستی تهران واقع در خیابان کارگر، محل تفکیک کلیه نامه های است که از کنترل اولیه در مناطق بستی و مراکز شهرها گذشته و یا از خارج واصل شده اند. عملیات تفکیک نامه ها در طبقه اول این مرکز که ما جنبه های تجزیه ای مجتمع در آنجا نصب شده اند، انجام می شود. نامه های از عبور از استوانه ها می طوری حرکت خود را گتای غیرا سنا تدارک را از دور خارج می سازد، بر روی نقاله ای قرار میگیرند که آنها را به بخش اپراتورها می برد. در این بخش دهها کارمند مرتفعک نامه های را که به ترتیب از برایشان عبور می کنند، انجام می دهند. بخشی از این اپراتورها، با ما موران و یا عنا مروا بسته رژیم هستند و رژیم می کند. دیگر کارمندان این بخش را نیز در زیر فشار و تهدید به همکاری برای کنترل نامه ها جلت کنند. اپراتورها مختصا نامه های را که باید برای کنترل جدا شوند، در اختیار دارند. تعدادی از آدرسهای لورفته نیز در مراکز بستی قرار دارند. مکاتبات که آنها می توانستند نامه های بسیار مختصا در مورد نظر هنگام عبور از آنها برخورد به سرعت تشخیص داده و جدا نمایند. کار تفکیک نامه ها در مورد آتکهای غیرا سنا تدارک نیز که از مسراج شده بودند، بطور جدا گانه انجام می شود. علاوه بر نامه های که به صورتی فوق تفکیک می شوند، جدا کردن نویسنده کلیه نامه های خارج با مناطق مختلف کشور نیز بطور بستی صورت می گیرد. مسئولین کنترل نامه ها هم، هر چند که با روشها و تقاطق تعدادی از نامه های رسیده توسط اپراتورها را مورد کنترل قرار می دهند تا بر چگونگی کار آنان نظارت نمایند. عملیات تفکیک در مورد بستی بستی نیز به ترتیب انجام می شود. اما با بدو توجه داشت که بستی های بستی واسله از خارج تماما مورد کنترل قرار می گیرند.

در مراکز بستی شهرها نیز تفکیک نامه ها بدون تجهیزات مکانیزه، اما با بدو تفت بیشتری انجام می گیرد، چرا که ما موران تفکیک نامه ها شناخت زیاد از افراد و آدرسهای مورد مکاتبه دارند.

و با آرایش بستی که در رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر کنترل نامه ها در مراکز بستی، در موارد متعددی مشاهده شده که نامه های که جهت توزیع در اختیار ما موران حملات قرار می گیرد، به دلیل همکاران برخی از آنان با رژیم و یا مجبور ساختن آنها توسط مساجد، بسیج محل و غیره به مراکز مزبور در محلات برده شده و نامه های با مصالح مشکوک مردم یک بار نیز توسط ما موران محل رژیم تفکیک شده و گشوده می شوند.

۲- مرحله دوم، مرحله گشودن نامه ها است. ما موران مربوطه بسته به مشخصات نامه از چند شیوه برای باز کردن نامه ها استفاده می کنند. این شیوه ها عبارتند از:

- روش معمول برای باز کردن نامه ها، استفاده از زنجار گرم (پاکت روی کاغذ گشودن مربوط به روشی که روی

میز داغ قرار دارد، گذاشته می شود و با استفاده از اظو هوای گرم است. در این روش پاکت به سرعت و بدون آسیب دیدگی بازمی شود.

- روش مکانیکی برای باز کردن نامه ها که با کمک کار دنگ چوبی یا پلاستیکی انجام می شود. در روش شیمیایی برای باز کردن نامه های که از چسب غیر محلول در آب برای چسباندن در بکات استفاده شده است.

- در مواردی هم که بدون تشخص نوشته های چابی مربوط می شود، بدون باز کردن نامه به کمک نور قوی و یا وارد کردن بکات در بستی سفیده را حتی متن نوشته را می خوانند.

در مواردی که باز کردن نامه با بدو تفت صورت می گیرد، قبل از گشودن نامه با کاتر یا معاینه ظاهری کرده و کوشی می کنند نشانه گذاریهای احتمالی روی آتک کشف کنند. سپس علایم ظاهری روی پاکت را بدو تفت می کنند تا در بستی مجددا بکات آن علایم را رعایت کنند. به همین ترتیب هنگام خارج کردن نامه از زورن پاکت نیز سعی می شود. نحوه قرار گرفتن اوراق نامه با بدو تفت شود. اما در عمل عمدا در بسیاری از نامه های کنترلی و پابستین بستی کیفیت کار ما موران کنترل، به آنها اجازه نمی دهد که نشانه های احتمالی روی پاکت یا درون آنها را تشخیص دهند و طریقی کاری های لازم برای بستن مجدد در بکات را رعایت کنند. از اینرو تشخص نامه های باز شده نسبتا آسان است و در موارد متعددی حتی قسمتی از در بکات و طرفین پاکت نیز برای زهیم شکست ما موران کنترل بدون تشخص یا ترمیم پاکت آن را ارسال می دارند.

لازم به یاد آوری است که گشودن نامه ها تنها از در بکات اصلی پاکت انجام می شود، این کار در موارد بسیاری از باز کردن طرفین یا قسمت پایین نامه صورت می گیرد.

۳- مرحله سوم خواندن نامه ها است. نامه های که حاوی مطالب سیاسی و یا مشکوک باشند، جهت پیگیری به ما موران مربوطه داده می شود. در موارد بسیاری ضمن فتوحی کردن این نامه ها و ثبت آن بر اساس پیگیری، اصل نامه به آدرس مربوطه ارسال می شود.

۴- مرحله کشف نامه های نامرئی، روی نامه های که آدرس گیرنده یا فرستنده آنها مورد حساسیت است و یا نشانه های با وجود متن نامرئی در نامه وجود داشته باشد، اقدامات معینی جهت کشف نوشته نامرئی صورت می گیرد. بدین منظور ابتدا نامه جلوی نور گرفته می شود تا معطای زخمی شده کشف ممکن است هنگام نامرئی نویسی ایجاد شده باشد کشف شود. سپس نامه مزبور در برابر گرما یا یخ مذوق ترمز ... قرار داده می شود که با توجه به استفاده وسیع از این روش، نامرئی نامرئی کشف متن نامرئی شروع می شود.

۵- مطالب کشف شده در نامه ها را مرتبا به مسئولین مربوطه رجاع می کنند. طبق تشخص آنها، نامه های مزبور با ضمن فتوحی و پیگیری مسائل به مقدم فرستاده می شود یا کلا ضبط می شود. در مواردی نیز ممکن است با نوشتن نامه جدیدی به جای نامه اصلی و یا تغییر بعضی مطالب آن، نامه را ارسال کنند. در این موارد سعی می شود که حتی الامکان نامه با بدو تفت شده شود تا گیرنده متوجه نشود که نامه های که با جوهرهای نامرئی ابتدایی مثل آب لیمو نوشته می شوند، نیز بعد از مرشدن امکان باز کردن مجددشان به حالت نامرئی اولیه وجود دارد. این کار را عبور دادن آنها از ابزارهای مربوط گرم صورت می گیرد. در مورد نامه های که با جوهرهای نامرئی شیمیایی نوشته شده و اجابا نامکان با از گرداندن مجدد به حالت اولیه وجود داشته باشد، هرگاه ارسال آنها ضرور باشد، این امکان وجود دارد که نامه دیگری با همان خط و جوهر و بطور ما هران نوشته و ارسال نماید تا گیرنده تصور نکند که دشمن موفق به کشف متن و اطلاعات آن شده است.

۶- آخرین مرحله، گذاشتن نامه در زورن پاکت و بستن پاکت به حالت اولیه و ترمیم نقاط آسیب دیده آن است. اگر پاکت هنگام باز کردن نامه از بین برود، در صورت لزوم سعی می شود پاکت جدیدی با خط مشابه پاکت اصلی تهیه و ارسال شود.

البته در بسیاری از موارد ما موران رژیم ارسال این نامه ها را به زبان خود تشخص داده و نمی فرستند. اما بنا بر آنچه که در این مطلب توضیح دادیم، دریافت نامه های که اطلاعات مشخص بطور مری یا نامرئی در آنها نوشته شده، بهیچوجه نشانه عدم کنترل و کشف آنها نیست. چه بنا چنین مکاتباتی مبتدیان افراد ادانیه بود و تشخص با کنترل مداوم نامه های آنها به اطلاعات با بدو تفت وسیع و کاملی درباره آنها بتواند دست یابد.

بقیه در شماره آینده

# زنان ایران! در راه صلح ، دمکراسی و برابری متحد شوید !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هفتم مارس ، روز جهانی زن را با آرزوی پیروزی برای مردم زحمتکش کشورمان ، به تمامی زنان و مادران ایران صمیمانه شادباش می‌گوید .

زنان جهان امسال عید خود را با عزم استوارتر و در پیکار ربه‌خاطر صلح ، ترقی و برابری جشن می‌گیرند . در سالی که گذشت مبارزات عادلانه زنان ایران علیه رژیم جنگ افروزون ستیز خمینی در ما بین المللی با زنان بیشتری یافت . سازمانهای زنان دمکرات در سراسر دنیا و در رأس همه آنها "فدائیسون بین المللی زنان دمکرات" از این مبارزات پشتیبانی پر شور و رزمجویانه بعمل آورده اند .

زنان هموطن انبیا خیزید ، متحد شوید و علیه جنگ و جنایات هولناک رژیم خمینی با تمام توان بیزیدید **مادران !**

آخوندهای حاکم بر کشور از میان شط خون فرستادن انقلابی و منبر رزما بسوی اهداف پلید خود راه می‌پایزند . سرکوب خونین احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ، اعدام هزاران تن از بهترین فرزندان شما ، زندان و شکنجه هزاران زن مندمه راه صلح و استقلال ، دمکراسی و عدالت ، اجتناب از بخشا زکارنامه خونین خمینی است . تصادفی نبود که در آستانه سه بر ملا شدن معاملات پنهانی خمینی - ریگان ، موج وسیع دستگیری فدائیان خلق و نیز تشدید بگرد علیه دیگر فرزندان مبارز خلق برآه انداخته شد . زندانیان خمینی امروز بیش از هر زمان شاد و بیکار رحمانی فرزندان دالور شما و از جمله زنان پیشرو و ترقیخواه در بند ایران است . اعتصاب غذای قهرمانان زن زندانی همراه هم زنجیران مرد خود جلوه رزم شادان زندانی به گسترده‌گی ایران است . با طو روخ چکان خمینی همچنان بر فراز سر فرزندان دالور در بند شما است . برای نجات جان فرزندان خود صفوفتان را متحدتر و یکپارچه تر سازید . به دفاع قاطعانه از زندانیان سیاسی برخیزید . از مبارزات رزم جویانه خانواده‌های زندانیان سیاسی پشتیبانی کنید !

زنان دمکرات و ترقیخواه کشور ! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، بیکار خستگی نا بدیرتان در امور و شناسایی و سازمان دادن مبارزات زنان کشور و انعکاس رنج و رزم آنان در سطح بین المللی را ارج می‌گذارد . جنبش خود پیور و پاک کننده زنیان کشور را سازمان دهد و در راه یکپارچه‌سازی جنبش دمکراتیک زنان ایران بنشیند از هر زمان اهتمام بورزید . بخاطر داشته‌باشید که بدون شرکت توده زنان کشور نمی‌توان مبارزه در راه سرنگونی رژیم خمینی را به جنبش پر دامنش و ظفر نمون‌نوده‌ای تبدیل کرد .

**زنان و مردان رزمنده فدایی !**

شما در زیر شمشیر آخته خمینی پیام آوران صلح دموکراسی و برابری هستید . بیگانه‌ها دلانه زنیان را علیه جنگ در دفاع از زندانیان سیاسی ، علیه قوا بین ظالمانه‌ها خوانده علیه تبعیضات شغلی و تحصیلی و علیه تحمیل حجاب سازمان دهد . در راه تحکیم پیونده خود با مبارزه توده زنان کارگرو زحمتکش مجدانه تلاش کنید . از همه امکانات و اشکال فعالیت که به گسترش روابط مستقیم و غیرمستقیم شما با زنان مبارز دنیا منجر شود ، از با دنیایی که تنها با تلفیق هشیارانه و ما هرا نسیه مبارزه مخفی با فعالیت علنی است که آگاهی سیاسی و اجتماعی در توده زنان راه می‌گشا بد جنبش دمکراتیک زنان ایران رشد و ارتقا می‌یابد .

تا مبنی اتحاد عمل با سایر زنان دمکرات و ترقیخواه کشور در صدر مبارزه‌های شماست . کانون‌های اتحاد رزمجویانه علیه رژیم خمینی را در میان خانواده‌های جنگ زده و خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان ایجاد کنید . با گسترش فعالیت‌های خود و سایر نشرده‌تر با ختن صفوف جنبش دمکراتیک زنان ایران به کمک کنید ، اینست پیام ما در فرخنده روز جهانی زن .

زنده باد ۸ مارس ، روز جهانی زن !  
 پیروزیا د جنبش دمکراتیک زنان ایران !  
 برقرار باد اتحاد عمل و همکاری گسترده  
 زنان انقلابی و دمکرات ایران !  
 درود آتشین بر زنان رزمنده در بند !

کمیته مرکزی  
 سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 ۳۰ بهمن ۱۳۴۵

**زنان هموطن !**

امسال رژیم خمینی با بنده و بست ضدمللی خود با کج سقید ، اقدام خائسانه تازه‌ای علیه منافق همه مردم انجام داد . هدف اصلی زدوبندهای سری جناران با کج سقید ادا به جنگ ویرانگر است . شعله و رنگا هدا شدن آتش جنگ یعنی گشتار رده‌ها هزار تن دیگر ، یعنی ویرانی با رزم بیشتر کشور و آرزوی دهها هزار مرد و کودک .

ادامه و تشدید جنگ ، بی‌خانی ، بیکاری ، فقر و گرسنگی و گزانی را به بلای عمومی خانواده‌ها تبدیل ده است . مما شب جنگ دا من معصوم کودکان در جیوخواره را نیز گرفته است . احکام رو کمبود شیر خشک ، کودکان شیرخواره را با گرسنگی دائمی روبرو ساخته است . ناداری و بیسی سرینانه‌ای و استیصال ، شرف و عزت بسیاری از زنان و دختران را در معرض یغما قرار داده است . رژیم خمینی بر زمینها استمرار جنگ خائسانه و عراق بنیان خا توده را در سراسر شیب انحطاط و تلاشی سوق داده است . جنگ میزان طلاق را بنحویس بقه‌ای افزایش داده است . جنگ فساد و فحشا را گسترش داده است . مرددها دسته دسته در جبهه‌ها کشته می‌شوند و زنیان دسته دسته می‌شوند . آخوندها از این وضعیت دردناک زنان بیشترین استفاده را برای پیشبرد افکار وحاکم ارتجاعی خود بعمل می‌آورند . آنها مرتب می‌نویسند و چند همسری را تبلیغ می‌کنند و برای چند زنه کسردن مردان و زواج عقده‌های موقت که چیزی جز فحشای رسمی نیست امکانات فراهم می‌آورند . جنگ بد زهنساز را می‌کشد و قانون ولایت فقیه کودکان را از مهر سادری نیز محروم می‌کند . صدها هزار کودک پدران خود را از دست داده اند و اکنون رقم کودکان بی‌تیمی کشته دست قانون خمینی آنها را از آغوش مادر می‌رباید و به میلیون می‌زند .



## گسی گه مثل هیچکس نیست

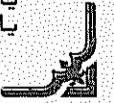
من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید  
 من خواب یک ستاره قرمز دیده‌ام  
 و بیک چشم‌هی می‌پرد  
 و کفشهایم همی جفت می‌شوند  
 و کوروشوم اگر دروغ بگویم

من خواب آن ستاره قرمز را  
 وقتی که خواب نبودم دیده‌ام  
 کسی می‌آید  
 کسی می‌آید  
 کسی دیگر  
 کسی بهتر

کسی که مثل هیچکس نیست ، مثل پستدرنیست  
 مثل آنسی نیست ، مثل یحیی نیست ، مثل مادر نیست  
 و مثل آن کسی است که با یدیا شد  
 و قدش از درخت های خانه‌ی معمار هم بلندتر است  
 و صورتش  
 از صورت اما مازمان هم روشنتر  
 و از برادر رسیدن خود آدم  
 که رفته است  
 و رخت با سبانی پوشیده است نمی‌ترسد  
 و از خود سید خود آدم که تمام اتاق های منزل ما  
 مال اوست نمی‌ترسد

و میتواند  
 تمام حرف های سخت کتاب کلاس سوم را  
 با چشم های بسته بخواند  
 و می‌تواند دختی هزار را  
 بی آنکه کم بینا و زرد از روی بیست میلیون برادر دارد  
 .....  
 کسی می‌آید  
 کسی می‌آید  
 کسی که درد دلش با ما است ، در نفسش با ما است ،  
 در صدایش با ما است  
 .....  
 کسی که آمدنش را  
 نمی‌شود گرفت و دستبند ز دویه زندان انداخت  
 کسی که زیر رخت های کهنه یحیی بچه کرده است  
 و روز به روز  
 بزرگ می‌شود ، بزرگتر می‌شود  
 کسی از باران ، از صدای شرشر باران ، از میان بیچ و بیچ  
 گل های اطلسی  
 .....  
 کسی از آسمان توپخانه در شب آتش بازی می‌آید  
 و سقره را می‌اندازد  
 و چکمه های لاستیکی را قسمت می‌کند  
 و سینمای فردین را قسمت می‌کند  
 و رخت های دختر سید جوان را قسمت می‌کند  
 و هر چه را که با دگرده با شد قسمت می‌کند  
 و سهم ما را هم می‌دهد  
 من خواب دیده‌ام ...

فروغ فرخزاد





کارگران زن در جنبش کارگری میهن ما به هم پیوسته و بیژدی دارند. آنها بواسطه ستم‌مفافی که متحمل می‌شوند، علاوه بر حقوق صنفی و طبقاتی عام کارگران، در تحقق حقوق صنفی و اجتماعی ویژه زنان نیز مستحقا دینفهمند. لذا دوشا دوش برادران کارگر خود، برای تحقق حقوق صنفی و سیاسی و رفاهی اجتماع صنفی مبارزه می‌کنند. این مبارزه در شرایط حکومت پوروزی و استبدادی خوندها، در شرایط نطفی‌خشن و آشکارا برتدا ثی‌ترین حقوق اجتماع زنان، در شرایط تلفیق استتما روستم سرما به داری با تضیقات شرعی واجقات قرون وسطائی علیه زنان، ازجاساست و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. کارگران زن هم از لحاظ طبقاتی وهم به لحاظ اجتماعی موردستیز، تحقیر و کینه‌کوب‌روختن رژیم پوروزو - آخوندی قرار دارند. لذا مبارزه برحق شان در دشوارترین شرایط ممکن صورت می‌گیرد.

رژیم خمینی با اعمال سیاست خانه نشین کردن زنان کارگر و کارمندی، جلوگیری از استخدام های جدید، مانعاً از کنیادرتداوم و گسترش فعالیتات اجتماعی و علمی، فرهنگی و سیاسی زنان، از اخراج های گسترده، حذف امکانات و حقوق صنفی ویژه زنان در محیط های کار از قبیل تعطیل مهدکودک ها و شیرخوارگان، تحمیل حجاب اسلامی واجقات سست بشروها، دیگر، حقوق صنفی و اجتماعی زنان کارگر را بطور بیجا بقای با یامل کرده است. با ندادن به این شرایط، قتل از هر چیز درگرومانا زیگیا رجسه کارگران زن و مراد از طریق شکل های مستهل صنفی، بیپوند استوار با سازمان سیاسی پیشاهنگ خود، با منازرات دمکراتیک عام بویژه جنبش دمکراتیک زنان است.

اما بنیادهای طبقاتی آنها با بردن کارگران زن، جز از طریق شرکت فعالانه در مبارزات جاری آنها، آگاه کردن شان به حقوق اساسی کارگران زن، افشائی فواین ضدکارگری و ضددمکراتیک رژیم و آموزش اشکال و روش های موثر مبارزه میسر نیست. نیروهای پیشرو برای پاسخگویی به این ضرورت میبزم، با بنیاد نهادن کارکنان اصلی حقوق ویژه کارگران زن، مواد اصلی نقض این حقوق در قانون کار رژیم و وظایف مبارزاتی زنان کارگرمیهن ما چیست؟ هرکن اصلی حقوق و مطالبات کارگران زن:

۱- برخورداری از حق برابری مردان در امر اشتغال، توزیع و امنیت شغلی. شرط مقدم رفاهی اجتماعی زنان، حضور فعال و همه جا بنیاد آنان در عرصه کار و تولید اجتماع است. برخورداری زنان از این حق و شرکت آنها در تولید اجتماعی، قبل از هر چیز امکان رفاهی از بردگی خانگی و شرکت در تعیین سرنوشت جامعه را میسر میسازد. زنان علاوه بر برخورداری از حق امنیت شغلی، باید از حق دریافت دستمزد مساوی در برابر شغلها و مساوی با مردان و نیز از امکان توزیع شغلی بنا بر اینترین سطوح، بدون اعمال تبعیض برخوردار باشند. بدون یک جنبش امکانی، نمی توان از شرکت موثر زنان در فعالیت های اجتماعی سخن گفت. اما سیاست ضدکارگری و ضددمکراتیک جمهوری اسلامی، اساساً با ترویج شغلی زنان کارگروکارمندان و تضمین حق کار و امنیت شغلی آنان است. جمهوری اسلامی با توسل به مبتدل ترین دستاویزهای میگوشت مانع شرکت زنان در فعالیت های اجتماعی می شود و بنیادت سازی می کند ضمن محدود کردن عرصه های کار زنان تا شغل های آنها را تنها در مشاغل ساده و کم اهمیت نگیندارد. کارگران زن در یکساله اخیر، در زمینه نخستین قربانیان اخراج های وسیع بوده اند. علاوه بر آن، طبق بخشنامه های دولتی، از جمله به بخشنامه های وزارت صنایع سنگین، از معدن آنها پیش استفاده کارگرن منوع شده است. اخراج و باز خرید کارگران زن و جایگزینی آنها با خویشاوندان مرد از حق یا با صلاح "مردان کامل"، جنبه دیگری از سیاست اعمال تبعیض علیه زنان و محروم کردن آنها از حق کار و امنیت شغلی است. توسل به توجیحات شرعی از قبیل عدم رعایت حجاب کامل اسلامی، گفتگو با همکاران مرد و بیجا نه های مبتدل دیگر، نمونه های دیگری از اعمال این سیاست ضددمکراتیک و فسوق اجتماعی است.

۲- برخورداری از حقوق مساوی در کسب آموزشی فنی، حرفه ای و تخصصی. بخش اعظم زنان کارگرمیهن ما از نظر شغلی در سیستم تولید و خدمات، جایگاه نازل دارند. بسیاری از مشاغل غیر فنی، پست و در عین حال پرزحمات تولیدی و خدماتی بر عهده زنان کارگرمیهن و روستا است. در زمینه برخورداری از حق آموزش حرفه ای با آزادی، کسب تخصص و ارتقای سطح مهارت شغلی، در مقایسه با مردان، تبعیض آشکار وجود داشته و در ایران جمهوری اسلامی این امر به مراتب تشدید شده است. در طرح طبقه بندی مشاغل نیز که ارزش فنی کار کارگران یکی از ضایعی های دریافت مزایای شغلی

استند است شامل محدودیه و احدهائی است که بیش از همه کارگروکارمندان را نشان در استخدام رسمی اند. حال آنکه بخش اصلی کارگران زن در واحدهای زیر رهفرکار می کنند و طبق این طرح، انگیزه مادی برای کسب مهارت بیشتر برایشان وجود ندارد.

### حقوق و مطالبات کارگران زن

کسب آموزشهای حرفه ای و تخصصی لازمه ترفیغ شغلی و راهیابی بیشتر به واحدهای پیشرفته و صنایع کلیدی است. در بسیاری از کشورهای بزرگ سرمایه داری کارگران زن به استکبارانه های کارگری، کسب آموزشهای حرفه ای و تخصصی را یکی از مطالبات اصلی خود قرار داده و دولتها را موظف به ایجاد دوره های آموزش شغلی و تامین مشاغل مناسب و جدید می نمایند.

۳- برخورداری از حقوق ویژه رفاهی و تامین اجتماعی زنان بواسطه وضعیت ویژه خود، ضمن برخورداری از حقوق برابری مردان در عرصه های مختلف حقوق کار و تامین اجتماعی، باید از حقوق صنفی ویژه ای نیز برخوردار باشند. در فواین اساسی این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق سندیگائی، منشور جهانی تامین اجتماعی و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار تصریح شده است. مهمترین موارد حقوق ویژه صنفی زنان عبارتند از:

- مشاغل زیانبار.
- تامین و تضمین حقوق مادری. حق استفاده از شیرخوارگاه و مهدکودک در جنب محل کار، تخصصی سازی وقت کار برای شیردان به نوزادان شیرخوار. (در هر ساعت، نیم ساعت).
- حق برخورداری زنان با دراز از مرخصی های قبل و بعد زایمان، بدون کسرت حقوق و مزایا. (حدقل ۳ ماه).
- تعیین سن دهالی بعنوان سن بازنشستگی زنان. (همال کمترین بازنشستگی مردان).

### حقوق کارگران زن و قانون کار جمهوری اسلامی

مبارزه در راه تدوین و اجرای قانون کاری که مدافع حقوق کارگران باشد، همچنان از مطالبات اصلی برای جنبش کارگری میهن ما است. آخرین لایحه قانون کار اسلامی، علیرغم عقب نشینی های محسوس که نسبت به مواج گذشته رژیم داشته، اما با لحاظ نقض اساسی ترین و جوه حقوق کارگرمیهن ما و امنیت شغلی، حق تشکیل مستقل و حق اعتصاب قانونی است. قسدم دیگر کارگرمیهن ما، علاوه بر آن، آنجه که در رابطه با حقوق ویژه زنان کارگر، در این لایحه نقض شده، عبارتست از:

- واگذاری کردن امر بازرسی و نظارت بر اجرائی مقررات مربوط به شرایط کار، متحمل اشتغال زنان و کارگران نوجوان بعهده دوا بر حفاظت نسبی و بهداشت رفاهی وزارت کار (ماده ۹۸).
- در این ماده نقض نمایندگان کارگران یعنی تشکلهای مستقل کارگرمیهن آنها در تدوین قانون بلکه در نظارت بر روند اجرای آن نیز نقض شده است.
- اجتناب "دوران مرخصی با دراز زایمان" کارگر بعنوان سابقه کار. "به نایند زایمان تا تعیین اجتماعی شروط شده است. حال آنکه این حق بدینی و مسلم باید قطع نظر از تا شید با دراز زایمان نیز در برابر زن و مقام دیگری برسمیت شناخته شود.
- اصل دریافت مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، در ماده ۳۸ این لایحه مخدوش شده است. این لایحه بجای کار مساوی، "شرایط مساوی کار" را قرار داده و زنان برای نادیده گرفتن معافیت ها و حقوق ویژه و لذت بردن از حقوق با دراز زایمان به بیجا نه تا برابری در شرایط کار، راه را با ساز گذاشته است. معافاتی که شخص شرایط کناره استناد دارد، مشاغل، طبق مفاد این لایحه صرفاً بیسن موسسات متکا و روستی و "اشخاصی صاحب ملاحیت" است و تشکلهای کارگرمیهن نقضی در جنبش آنان ندارند.
- در ماده ۷۶ کارشانه برای زنان چندان مورد بهدا شتی، درمانی، فرهنگی و نظایر آنها "منسوع اعلام شده" اما ملاحیت تشخیص نوع و ضرورت کار شانه "درمواد" خلافی آنها با وزارت کار است و طبق معمول تشکلهای کارگرمیهن نقضی بعهده ندارند.
- سقف سنی بازنشستگی در لایحه قانون کار

اسلامی سکوت گذاشته شده است. - و بالاخره، طبق ماده ۷۹، تنها کارگرمیهن واحدهائی که مادران بین از ۱۰ کودک در آنها کار می کنند، ملزم به ایجاد "مطبی برای نگهداری کودکان" شده اند. بدینی است که کودکان کارگران نه به مطبی برای نگهداری بلکه به شیرخوارگاهها و کودکستانهای با امکانات رفاهی، تربیتی و بهداشتی لازم احتیاج دارند. رژیم ما این گونه طرحها را برای ادا مسیاسی که محرومیت زنان کارگرمیهن محرومیت کودکان شان محسم می دهد، کاملاً باز گذاشته است.

خواست ایجاد مهدکودک که شرط ادا مکار زنان کارگرمیهن است که به خواست میرم آنان تبدیل شده است. در شرایط نبود تشکلهای مستقل کارگرمیهن، زنان کارگرمیهن اقدام متشکل در رابطه با خواستهای صنفی خود از جمله مهدکودک اقدام به تشکیل هیات های ویژه ای چون شورای مادران کرده اند و این کامی مثبت درجهت مبارزه متشکل برای تامین حقوق صنفی است. کارگران زن باید با جنبش پیشبنا نی موثر برادران کارگرمیهن تا مین حقوق صنفی ویژه شان برای ایجاد تشکیم هسته های مخفی کارگرمیهن و فرترازان، تشکلهای توده ای و مستقل کارگرمیهن و تامین حقوق کار و تامین اجتماعی زنان کارگرمیهن مبارزه کنند.

زنان ایران در شرایط چینی جنگ، گرامی کمرنگین، بیگاری واجقات قرون وسطائی رژیم، همواره نقش موثری در مبارزه رجمتکنا این علیه رژیم جمهوری اسلامی ایفا کرده اند. زنان کارگرمیهن به متشکل ترین و بیگرمترین بخش جنبش زنان ایران، علاوه بر اشتغال در مراکز اقتصادی، سن زن بودن در جامعه اسلامی ایران را نیز با گوشت و پوست خود صنفی می کنند. آنها در مبارزه علیه حجاب اجباری و قنود بندهای "شرعی" دیگر در محیط کار، علیه سیاست جنگی رژیم در واحدها، تجدید حق کار و زنان و مبارزه علیه خفان و کنترل پلیسی در کارخانجات و... بعنوان بخش کارگرمیهن جنبش دموکراتیک زنان ایران نیز، نقش ویژه ای دارند. کارگران زن با بدفعالترین متادبان سازماندهندگان تشکلهای دموکراتیک زنان با شد و مبارزه علیه تحمیلات ارتجاعی رژیم رانه چار دیواری کارخانجات محدود و بند کنند.

کارگران پیشرو به ویژه کارگران پیشرو نباید توده زنان کارگر را با وظایفی که در جنبش توده ای طبقه کارگرمیهن رسال جنبش عمومی خلق به ویژه جنبش دموکراتیک زنان ایران دارنده آنها کرده و آنان را به ایفای نقش هر چه موثرتر در این مبارزه هدایت کند. زنان کارگرمیهن بدوشا برادران خود در راه ایجاد تشکلهای صنفی مستقل کارگرمیهن و مقدم بر آن، برای ایجاد تشکیم هسته های مخفی کارگرمیهن مبارزه کنند. این مبارزه نه تنها با تقویت هیات ها و تشکلهای صنفی جنبی نظیر "شورای مادران" و فعالیتها من اصلی جنبش ای بی فعالیتها است. کارگران پیشرو، به ویژه کارگران پیشرو، باید ضمن شرکت فعال در سازماندهی مبارزات توده ای زنان کارگرمیهن با نیدن حقوق و وظایف طبقاتی آنان، وظایف دموکراتیک آنان در قبضال جنبش دموکراتیک زنان ایران و مبارزه همه قشار و طبقات خلق را مورد تا کده قرار دهند. کارگران پیشرو و فعالین سازمان باید زنان کارگرمیهن را به صفوف رهنمودهای سازمان آگاه کرده و آنان را به صفوف سازمان پیشاهنگ خود جلب کنند. باید ضمن افشای بیگمیرانه ظاهر ستم سرما به داری علیه زنان، توده زنان را به این حقیقت آگاه کنند که تنها دروسیالیسم رفاهی قطعی زنان میسر می گردد.

زنان مبارز ایران! تمام حقوق و آزادیهای شما از سوی رژیم فقیها با یامل می شود. رژیم خمینی حبسیت زن ایرانی را لکدمسال می کند. به تحمیلات ارتجاعی تن ندهید، علیه بیسن تشیقات و مظالم مبارزه کنید! متحد شوید و برای کسب حقوق و آزادیهای خود در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی بزمید. سازمان ناشیان خلق ایران (اکثریت)

# برقرار باد برابری حقوق زنان با مردان

## تحویل حجاب، تحمیل بردگی

رژیم جمهوری اسلامی که طی سال‌های حکومتش ابتدا شی‌ترین حقوق زنان را به خود اختصاص داد و در نهایت به آنها دست‌های گشوده‌ای زد، برای تحمیل حجاب عرضه داشت که بر اساس آن اخراج زنان از مراکز کار و تحصیل و ایجاد زندان مخصوص برای زنانی که تسلیم تخمیرات قرون وسطایی رژیم نمی‌شوند، در دستور قرار گرفت. به‌شکلا و شورای عالی قضایی طرحی تصویب و به اجرا گذاشته شد که زنان با مصلح به حجاب را به راه‌دهی‌ها برای بازسازی و آموزش اعزام می‌کنند، علاوه بر آن رهنمایی در نماز جمعه تهران تا به بندگرد (لیحه) به مجلس فرستاده شود تا کسانیکه شئون اسلامی را رعایت نمی‌کنند از ادارات اخراج شوند. همچنین کارکنان رژیم کوشش می‌کنند تولید و فروش لباسها را در خارج از مرزهای اسلامی مورد نظر خود محدود کنند. هدف این تلاش‌ها هم تحمیل اندیشه‌های قرون وسطایی به زنان ایران است. آخوندخاندان‌های دردی‌دار و عاقل‌تهران گفت: "قانون جدیدی جهت تصویب در مورد موال اشخاصی و توقیف فرومگاها بی‌گناه عرضه‌کننده لباسهای زنده‌هستند، به‌زودی تقدیم مجلس می‌شود" و اضافه کرد "تجربیات مربوط به آن تعیین شده است. این منطبق با اهداف رژیم است".

مهرترین تحقیرها نسبت به زن ایرانی است حکم می‌کنند که بعد از این فروش چرخ خیاطی و دوخت و دوخت منازل نیز کنترل شود تا برخی مادران در نظر هیچ کجا نکافی نقد و باخته‌های ایران در راستا نه‌فقرن ۲۱ در مدارس جاهل و خرافانه درهم بپیچیده شود.

این نقشه‌های آخوندی همزمان با اعمال قهر و حشانه بر زنان که در مقابل تخمیرات ارتجاعی استادگی می‌کنند، طرح‌ریزی شده است هم‌زمان با این تدابیر در همه شهرهای ایران با بطور وسیع مراکز تولید و فروش لباسهای آلوان و وسایل ورزشی زنان تعطیل و زنان بجرم نقش دار بودن لباسهاشان شاماسی شده و می‌شوند و حمله به آرایشگاههای زنان و دستگیری کارکنان آنها توسط کمیته‌های انقلاب اسلامی جریان دارد. بطور مثال به گفته مطبوعات رسمی رژیم "در یک زمان معینی به‌خواجحت تولید لباس زنان در سطح تهران تعطیل شدند".

پوشیده نیست که مبنای ایدئولوژیک معینی رهنمای عقل‌سرا ن جمهوری اسلامی در تحمیل حجاب به زنان ایران است. از جمله رهنمایی در نماز جمعه تهران، از روی تحمیل حجاب به زنان ایران به سوره اخراج آن به معنی استاده کرد که در آن اینطور آمده: "ای‌ها سر بر نه همسران و دخترانت و به زنان مومن بگو که لباسهاشان را به خوش نزدیک باز دارند. این تکلیف برای اینکه شناخته‌نشوند مورد ذلت و آزار قرار بگیرند به‌تراست". مترجمین حاکم بر کشور ما لباسها را نگاه آراب بدون به‌زنان مبین می‌نگرند که زنان و دختران را موجودات بی‌بیت می‌شمرند، بلکه آزار آنها می‌رساند و دختران آنجا که به‌دفع کردن زنده زنده نور از دیدن دختران خود دست می‌زنند، خطت عمیقاً ارتجاعی این نگرش زمانی که به نتایج عملی آن در حیات فردی و اجتماعی زنان ایران اشکارسه کنیم آشکارتر می‌نماید.

از دیدگاه رژیم مرتجع ایران اصلت زن یا میزان نقشی که در خانه برای فراهم آوردن اسباب "راحتی و آسایش" برده‌ها می‌وردند نیست، بلکه آسایش و آسایش نیز از نظر آقایان معنی خاصی خود را دارد که منزلت معنایی به‌مناسبه کنیز مطیحی جنون‌گراست. مساله اصلی، تنگی زن به‌خواستهای شیوانی مرد است. طبق منطق ساکوس وریا آخوندی‌ها حاکم بر اعمش و عشرت مردم لازم است که زن پوشیده و تروناز بافتی باشد. حجاب از نظر حاکم ایران اساساً از همین زاویه مورد تأکید است. دلیل روشن اظهارات و قیاسات رهنمایی در نماز جمعه تهران در دفاع از رهنمایی در کشور است.

برپایه همین دیدگاه است که رژیم جمهوری اسلامی صیغه و مقدم وقت را که چیزی جز آسایش عسر می‌فشانند در کشور نیست تا این پایه که اکنون ما هم در کشور رواج می‌دهد. اکنون نیت خانواده در زمین مادر معرض‌تبدی‌جدی قرار گرفته است. آمار پلاک، به موجب اظهار رسمی مقامات به‌تجو سورام‌آوری بالا رفت است. بنسبت از ادواج دختران، حقوق نابرابر در انتخاب همسر، تقویری حق طلاق بکفره به‌سپرد، تقدیس تعدد زوجات، سلب حق انت فرزندان زسادران، همه و همه برای تحقق عملي اندیشه ارتجاعی است که زن را تنها به مفهوم کنیزخانه و اسباب عیش و عشرت مرد درک می‌کند.

سرا ن جمهوری اسلامی تا آنجا که می‌توانستند محدودک‌ها و شیرخوارگاه‌ها را بستند و تعطیل کردند. آشخوارین اقدام نیز همان ایدئولوژی و همان دیدگاه است که در بالا ذکر شد. تمامیم پوشیده و آشکار، قانونی و غیرقانونی برای اخراج زنان از محیط‌های کار و تحصیل نیز از بی‌مده‌های دی‌گراست که زنان کشور را از عرصه فعالیت اجتماعی و اقتصادی به کنج خانه‌ها رانده و می‌راند. در بیک

کلام می‌توان از روی واقعات و پرشمار رنج‌ها گرفت که تحمیل حجاب به زنان کشور چوبه ارتجاع حاکم بر کشور برای محروم ساختن زنان ایران از حقوق اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی شان است. تحمیل حجاب وسیله‌ایست که با توسل به آن رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد زنان را از فعالیت اجتماعی و سیاسی بازداشته و از بن چاه جمع به کنج خانگی براند.

تحمیل حجاب در عین حال به معنی سلب استادی‌ترین حقوق انسان یعنی حق انتخاب پوشش از زنان است. مبارزه با تحمیل حجاب یکی از عرصه‌های پر اهمیت مبارزه جنبش دمکراتیک زنان ایران در راه برابری حقوق می‌باشد. اما نیروها در دهه مبارزه علیه حجاب تحمیلی را در تمام ابعاد فردی و اجتماعی آن گسترش داد. گسترش مبارزه علیه حجاب تحمیلی از اینرو نیز چنان‌که است که بطور تشکیک نا‌پذیری با نیتا‌دهای ایدئولوژیک حکومت فقها ارتباط پیدا می‌کنند و مستقیماً مناره سیاسی علیه رژیم ولایت فقیه است.

### مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی را گسترش دهیم

دهها هزارتن از بهترین فرزندان مردم ایران در زندان رژیم خمینی‌اند و با آنکه موج سرکوب‌گر روزبر عده زندانیان سیاسی افزوده می‌شود. اکنون در مبین لاک‌پشته‌ها هزاران پدر، مادر، خواهر، برادر و همسر نگران جان عزیزان خویشند. آنها در شان یکی است و دشمن مشترکی دارند. تجربه نشان داده است که اگر خانواده‌های زندانیان سیاسی دست درازت هم به دفاع از عزیزان در بند خود بخریزند، می‌توانند در افتاد رژیم، بهیودشرا بازیت و بیگاری انقلاب در بند و تقویت جنبش زنده‌ای قدر رژیم نقش موثرتری ایفا کنند.

فعالیت ما در آن همسران و خواهران زندانیان سیاسی در حیات از اعصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی در اوین و گورهدشت، بیگاری دیگر نقش موثری آنها را در افتادیات رژیم و گسترش جنبش همسنگی باز زندانیان سیاسی با زخم خود، خبراً اعتماد همسنگی اولین بار توسط خانواده‌ها انتشار یافت و اعراض دسته‌جمعی آنها به بی‌زوری اعتماد غذا کمک کرد. خانواده‌های زندانیان سیاسی به خاطر دادن نسبت خانوادگی با انقلابیون، از موقعیتی برخوردارند که وظایف ویژه‌ای در مقابل انقلابیون در بند و بیرون جنبش زنده‌ای مردم به‌دوش آنهاست. آسمان انقلابیون به‌با و بره‌ای مردمی خویش، سرچشمه مقاومت و جان‌نیساری آنهاست و در عین حال آنجا که اندیشه و انگیزه مبارزه آنها وضع دشواری که برای خود خانواده‌ها باشد آنجا در کرده‌اند. از سوی سنگان شان درک می‌شود، مساه روحیه بالائی به‌مقاومت در برابر رژیم آذکسه می‌دهند. علاوه بر خانواده‌های زندانیان سیاسی نقش مهمی در برین اخبار جنبش زنده‌ای به‌زنده‌نیمسا و انتقال اخبار حیات رژیم به بیرون از زندان، انباء می‌کنند.

**همایش بین‌المللی** ... بقیه از صفحه ۱۲

واقدات کشورهای سوسیالیستی با رخ به ضرورتی است که وجدان بیدار بشری آن را می‌طلبد. در مقابل اقلیتی ناچیز به سرکردگی محافل میلناریستی امپریالیسم آمریکا در مقابل این خیل عظیم هر روز گسترش‌یافته از جهان را به خاک و خون می‌کشد. به‌انفجارات بی‌دریغی، حتی دست می‌زند به انتقال سلاح‌های مافضا و ادامه جنگ و تشنج در نقاط مختلف جهسان را دنبال می‌کند.

شرکت کنندگان با انجام معاجیه‌ها و بی‌گزارای کنفرانس‌های جنبی و مطبوعاتی تلاش‌هایی را که تا کنون صورت گرفته و وظایف و مسئولیت‌های هر یک از شخصیت‌های کشورهای مختلف و همه مردم ملحدوست سرارجان در این راه‌داران داده و ورگرددند و همگان را به انجام تعهدات باخ مثبت و مسئولانه به این نژادای برجی شریک یعنی حق زیستن" قرار داده‌اند. آنها کشورهای دارای سلاح‌های اتمی را به قطع آزمایشات هسته‌ای و بازبودن کردن زرادخانه‌های اتمی دعوت نمودند، آنها گفتند که باید فعالیت‌های کیهانی به زرادخانه دیگری تبدیل شود.

**با جمع‌آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.**

وظیفه همه ما است که با تقویت پیوندهای مردمی با خود ما در آن همسران، و خواهران زندانیان سیاسی در این عرصه فعالیت کنند، رشد و گسترش این بخش مهم از جنبش دمکراتیک زنان ایران را برای رسانیم. با حفظ رابطه با خانواده‌ها در حل مشکلات زندگی‌شان بکوشیم. اخبار زندانیان و فعالیت‌های خانواده‌ها را به‌سازمان رسانده و با جلب حمایت‌های زندانیان از مبارزه‌ها، اعتراضات جمعی خانواده‌ها برای دفاع از انقلابیون در بند در سال زمان دهیم و راه‌شان را با مرکزین انقلابی را به آنها بنمایانیم. رژیم می‌کوشد با تهدید خانواده‌ها دستگیریهایی جدید را ز مردم مخفی نگه‌دارد. اما دستگیریهایی نشان‌دهنده شدت سرکوب است به ما در آن همسران و خواهران زندانیان سیاسی با بندکام کرد که دستگیری عزیزان را از مردم مخفی نگه‌دارد، در راه شخصیت انقلابی و آزادی‌های مردمی عزیزان در بند خود با مردم گفتگو کنند و با این ترتیب نقش فعال و موثرتری در افتاد حیات رژیم در میان مردم برعهده بگیرند. لیخندی که بعد از زنده‌نیمسا در خواهر و همسران و برچیره اومی‌شوند، سرچشمه شدت بیشتر و درمقاومت‌های بعدی است. سنگان زندانیان سیاسی با پیدا حیات تقویت روحیه عزیزان شان را در تمام ابعاد آن درک کنند. به‌ویژه نیتا‌دها خاطر بردگ رژیم برای قطع رابطه انقلابیون با جنبش زنده‌ای آنها را با سایر زندانیان انتقال اخبار جنبش حقایق مربوط به مبارزات زنده‌ها به سنگان زندانیان سیاسی از اهمیت بزرگ برخوردار است. برخی از زندانیان سیاسی بان آوران خانواده‌های خوش‌بوده‌ها کمک مالی به این خانواده‌ها امروز هم یک وظیفه انسانی و هم یک وظیفه انقلابی است.

خانواده‌های که از شهرت‌ها برای ملاقات عزیزان شان می‌آیند، با مشکلات اقتصادی و بی‌وقت روی‌رو هستند و به کمک خانواده‌های دیگر احتیاج دارند. خانواده انقلابیون شهید و شهدای انقلاب دین بزرگی به‌گرم جنبش انقلابی ایران دارند. خانواده‌ها را به تقویت پیوند با آنها و استفاده از اخبار شان در مبارزه خویش با بد تشویق نمود.

خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌دانند که در مبین ما هر کس به‌نوعی رنج می‌برد، جنگ‌هستی و امید زندگی مردم را به بیچاره‌ها می‌بخشد و بیگساری و گرامی‌بودگی را با کم و زخمی‌شان تلخ کرده، و شمار وسیعی از خانواده‌ها را در ماتم عزیزان شان نشان‌دهنده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی باید درک کنند که دردها نیتا‌دها در دنیا زنده‌ها بی‌گدرجک، عزیزان شان را از دست داده‌اند، بیگانه‌تیب و به‌ویژه از دیدن تنگه‌های عزیزان آنها به‌جزم تقسیم‌عز خواستهای عادلانه همین مردم، به‌خاطر صلح، کنار آزادی و سعادت آنها به زندان افتاده‌اند. باید سنگان زندانیان سیاسی را به تقویت پیوند با خانواده‌های شهدا و وارگان جنگ و شرکت در مبارزات آنها و جلب حمایت آنها از مبارزات خود فراخوانند.

در راه‌ها با ن دادن به تشکجه و اعدام، در راه آزادی زندانیان سیاسی، این فرزندان با کباخته خلق متحدانه و با تمام او بیگاری کنیم.

**منتشر شد**

جلد اول کتاب "مقاومت" منتشر شد. این کتاب مبارزات کمونیست‌ها و دیگر نیروهای فدائیان است. از دارقاعه سالهای ۱۹۳۵-۱۹۳۳. دوران قدرت گیری فاشیسم نشان می‌دهد. "مقاومت" توسط پرفسور کلاوس ماخ دانشمند مورخ آلمان دموکراتیک گردآوری شده است. این کتاب گنجینه‌ای از تجارب مستند و مشخص برده‌ها است و انقلابی کمونیست‌های آلمان در شرایط مخفی علیه فاشیسم هیتلری است. هدف از ترجمه و انتشار این کتاب آشنایی ما را با رژیم و انقلابیون میهنان با تجارب مبارزه مخفی در شرایط فاشستی است.

- از انتشارات سازمان:
- ۱ - آموزش‌های انقلاب و سوسیالیسم شماره ۱۱
  - ۲ - آموزش‌های انقلاب و سوسیالیسم شماره ۱۲
  - ۳ - گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط رفیق منخائیل گارباچف به‌یست و هتتمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی
  - ۴ - کتاب "مقاومت" گردآوری کلاوس ماخ
  - ۵ - تاکتیک "نفوذ" و راه‌های مقابله با آن جزوه اول از مجموعه آموزش‌های از فن مبارزه با پلیس سیاسی
  - ۶ - درباره ارتباط‌های سازمانی جزوه دوم از مجموعه آموزش‌های از فن مبارزه با پلیس سیاسی

# زنان ایران به حجاب تحمیلی رژیم تن ندهید!



## از جهان سوسیالیسم ، از احزاب برادر

امروزه توجه پیگیر به تئوری نظری و عملی سترگی که احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی ، این سازندگان بالفعل جامعه نوین ، سترگی یافتن راه های نوین هرچه موشکافتر و موشکافتر سوسیالیسم و کوبا سترگی کردن زبان کمونیستها برای توضیح واقعیتهای جهان ما انجام میدهند ، وظیفه جدی هر حزب و هر کمونیست است . آنچه را ما فردا در کشور خود میسازیم ، امروز در کشورهای سوسیالیستی در حال ساختن است . هر آزمایش ، هر تجربه ، هر بحث و نظر و هر تئوری که به امر ساختن سوسیالیسم و حل مشکلات نظری و عملی آن بر میآید ، بر پایه وظیفه انقلابی ما ، و به خاطر آنچه میخواهیم در کشورمان بسازیم و به خاطر شرکت موثر در پیشروی و تکوینی روند انقلاب و نو سازی جهان ، باید بی دریغ و بی توجه ما قرار گیرد و برکنجینه دانشمان بیافزاید .

امروزه آن تحولاتی که در اتحاد شوروی میگذرد ، توسط رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی دارای خصلت انقلابی ارزیابی میشود .

## پلنوم زانویه: گام نوین در نوسازی

هفتاد و دو سالگرد انقلاب دوران سازگاری سوسیالیسم را با واقعیتها و نیازهای مردم اتحاد شوروی با امید شرفرین و بارور پدیدار کرده است . این گامها تا حد عمیق گزیده ، انقلاب ادامه دارد ! اتحاد و انقلاب در کنارش میخائیل گورباچف و در بیانها تا سخنرانان و در روح و فانی پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در هجدهمین ماه (۲۷ نوامبر) برگزار گردید ، تجلی و نمود یافت . پلنوم به بازنگینی شجاعانه فرآیندهای گذشته و به پدید آمدن مفاهیم و بیگانه از سوسیالیسم نشست . خصلت انقلابی نوسازی را تبیین کرد و بر تئوری روشن برآیندها افزود . پلنوم زانویه گامی بلند در مسیر تحول انقلابی بود که در اتحاد شوروی از مدتها قبل آغاز شده است . پلنوم آوریل و بیست و هفتمین کنگره ، گامی شجاعانه تا کعبه دستاوردهای سترگ سوسیالیسم ، به تحلیل نقادانه خطاها و پدیدههای منفی برداشت و تصمیمات تاریخی اتخاذ نمود . بعد از کنگره نوسازی به شمار روز تبدیل گردید ، شماری که ما هیت تحولات در اتحاد شوروی را منعکس میگرد . با گام گذارند جامعه در روند نوسازی ، بردباری بیوقفه بین نوبا گهت انقلابی با محافظه کار در مقام و چهره زندگی اجتماعی عریبان گشته و شدت یافت . بر اثر نوسازی ، تحولات مهمی در جامعه شوروی جاری گشت و روندهای مثبت نیرو گرفت و تحولات مثبت در عرصه سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، و اخلاقی و در سبوهای کار پدید آمد . گشت . بنا بر این وجود به گفته میخائیل گورباچف : " مرنوسازی دشوار ترین و عملی و پدیدههای مسائل روی هم انباشته شده در جامعه ، عمیق تر از آنچه که در گذشته تصور می شد از کار آمده است ."

تحلیل این مسائل و مشخص کردن جوانب نوسازی در عرصه های مختلف و اتخاذ تصمیمات اساسی برای تحقق این مشی به امری مبهم تبدیل شده است . پلنوم به این ضرورتها پاسخ گفت . میخائیل گورباچف پیرا از نو نوسازی ، گسترش خودگردانی سوسیالیستی و سیاست حزب نسبت به کارها ، گزارش پر مضمون و عمیقی ارائه داد که ما به برخی از جوانب آن میپردازیم .

در گزارش گذارنده گفته شد : " قریب هفت دهه پیش از این ، حزب لنین پرچم نظریه من انقلاب سوسیالیستی را بر فراز کشور به اهتزاز درآورد ، دستاوردهای خلق اتحاد شوروی در راه تحولات سوسیالیستی ، عظیم و غیر قابل تردید است ، اما هر گونه موفقیت و جتسی عظیم ترین آنها نباید به تضادهای دشوار و پیچیده اشتباهات و لغزشهایی ما را تحت الشعاع قرار دهد . از مرحله معینی ، کشور ما آهنگ حرکت خود را از دست داد ، دشواریها و مسائل حل نشده روی هم انباشته شدند و رو کردی که پدید آمده های بیگانه با سوسیالیسم به ظهور رسیدند ."

در گزارش آمده است : " رندوتکا مل کشور ، لایحه متوقف نشد ، دهها میلیون انسان شوروی ما بدانسه کار میگردند و بسیاری از سازمانهای حزبی و کارهای ما فعلی آن در جهت منافع خلق عمل نمی نمودند ، این همه درحکم مانعی در راه فرآیندهای منفی بود و ولسی نمی توانست جریان آنها را متوقف کند ."

در گزارش ، این گونه میبندی می شود که بر سیاست و فعالیت عملی گذشته تن دیکما رو حیات محافظه کارانه ، مانندو گراشی به روی گرداندن از هر آنچه که در شما های عادی نمیکنند است ، حکمفرما گردید .

میخائیل گورباچف در گزارش به مسائل شوریک پرداخته و میگوید : " نظریات شوریک پیرا سوسیالیسم عمده در سطح سالهای ۳۰ و ۴۰ ، یعنی زمانی که جامعه به انجام وظایف کاملاً متفاوتی مشغول بود ، بنا میماند بود . سوسیالیسم رشدیابنده ،

نیز میتوانیم به گواه مجموع مسایل طرح شده این تحولات را ، هم به لحاظ تاثیر آنها در خود اتحاد شوروی و هم به لحاظ تاثیر عمومی برشان انقلابی بنامیم . به موازات این تحولات در اتحاد شوروی و به بهره گیری از تجارب آن ، تحولات جدی در تعداد دیگری از کشورهای سوسیالیستی مشاهده میگردد . امروزه میتوان در اغلب پلنوم ها و کنگره های احزاب برادر و بطور مشخص در احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی مسایل نسو والهام بخشی یافت . سازمان مانیز برای شرکت موثر در این کارزار و بهره مندی بیشر وانه و خلاقانه از این اندیشه ها و آرزوینها ، کوششهای خود را گسترش میدهد . تشریه کارخانه کوشید تا در جاهای مختلف در جنبش رومنی بسوی حرکت احزاب برادر و بسوی مسایل نوین مطروحه در جنبش کمونیستی و کارگری بگشاید . در این راستا منعکس کردن دستاوردهای پلنوم ها ، کنگره ها و کنگره های احزاب برادر و تحولات این کشورها اهمیتی بیشتراز همه دارد . انجام چنین وظیفه ای از سوی تشریه کار ، به امر تدارک کنگره ها ، شکوفایی و غنای بحثها در جنبش کمونیستی ایران یاری میرساند .

دلیل کتیک نیروهای محرکه و تضادهای آن و وضعیت واقعی جامعه به موضوع پژوهش های عمیق علمی تبدیل نشدند ."

" تصورات سطحی پیرامون کمونیسم ، غیب گوئیهای گوناگون و افکار تجریدی رواج معینی پیدا کرده بود ، و وضعیت تئوریک برحل مسائل عملی تا تشریفی میگذشت . در طول دهه ها در براتیک آمارها مورد اقتصادی و مدیریت ، شیوه های منسوخ حفظ میگردید و بر عکس ، برخی اشکال اقتصادی تشریح بی دلیل نفی می شد ، تولید و انگیزش کار در اساس متوجه رشد کمی و اکتسابی بود ."

" تا راسی های جدی در پرورش ایده های سیاسی در بسیاری موارد با برگزای بر نامه ها و تشریفات رسمی جشن گرفتن مناسبت های بی شمار ، جسد هر مراسم و هر یک در نظر ناقط استنار می شد ، جهان واقعیت های فاعله می گرفتند ."

" مواردی عتانی نسبت به قوانین ، کلاه برداری و ارتش و تئوری چاپلوسی و مجرگویی تا تشریح هلاکت باری بر فضای اخلاقی در جامعه جای میگذشت"

میخائیل گورباچف در جمع بندی این روندها میگوید : " این همه ، گواهاست که واقعیتها و تضادهای مختلف جامعه ما تا چه اندازه وخیم بوده است و تحولات عمیق تا چه اندازه ضروری ."

مساله تسریع رشد و تکامل اجتماعی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی هم در این شرایط مطرح شد ، در واقع صحبت بر سر تحول و پدید آمدن اشکال انقلابی ، راه دیگری وجود ندارد ، نباید عقب نشینی نمود و جانی هم برای عقب نشینی ندا ریم ، ما موظف هستیم خط منی پلنوم و ریل (ما ۱۹۸۵) و کنگره ۲۷ را پیگیری کنیم و بلا نحراف جامعه عمل بیوشانیم ، به پیش برویم و جامعه را به سطح کیفی تا جدید رشد و تکامل برسانیم . مضمون نوسازی ، در گزارش به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و گفته می شود : " دفتر سیاسی معتقد است که : نوسازی عبارت است از غلبه قاطع بر فرآیندهای رکود ، درهم شکستن مکانیسم تراژدی اقتصادی ، مطمئن و موثر تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی ، ایده اصلی استراتژی ما است - یک بخش دستاوردهای انقلاب علمی - فنی با اقتصاد با برنامه و واد عمل کردن تمام ظرفیت سوسیالیسم است ."

" هدف گذاری نوسازی عبارتست از نو کردن تمام جوانب حیات گشوری ، تجهیز سوسیالیسم به انوویری ترین اشکال سازماندهی اجتماعی و آنگار کردن هر چه کامنتر خصلت بشردستانه این نظام در تمامی وجوه اصلی آن یعنی در وجوه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و اخلاقی ."

دبیر کل ج. ک. ا. ، شهر گزارش خود ، این مسئله را پیش میگذرد : " تا تضمین های درست است که فرآیندها غا زنده تحولات تا به آخر ادامه میابد ، کسه اشتباهات بنیشتن تکرار نشود و ما بتوانیم رشد و تکامل تمام راجا همه ما را تا میان کنیم ؟ و بیاطمینان در پاسخ باین سؤال میگوید که چنین تضمین هایی وجود دارد . این تضمین ها در ارتباط با کار رست هر چه کامنتر اشکال استراتژی در نظریات و تفکر و واقعیت توده های خلق در فصل تمامی مسائل حیات جامعه است ."

در گزارش در رابطه با این مسائل گفته می شود : " نظام سوسیالیسم آزادی های شخصی و حقوق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی واقعاً وسیعی به زحمت کشان آزادی داشته است و در عمل برتری های بسیار عظیم دمکراسی شوروی را نشان داده است ."

" اما امروز حرکت شما ان به پیش ، تنها در صورت حرکت بخشدین با تمام سربوه عمال انسانی و رشد و تکامل بیشتر اشکال دمکراتیک مختص سوسیالیسم امکان پذیر است ، جوهر متی حزب در جهت تعمیق خودگردانی سوسیالیستی خلق در این امر بیفته است ."

" ما این فرآیند را آغاز کرده ایم ، تمامی شون حیات

جامعه در حال دمکراتیزه شدن است . زندگی سازمانهای حزبی بر پایه تئوری می شود ، علمیت ، انتقاد و انتقاد از خود گسترش می یابد ، و مسائل ارتباط جمعی فعالانه عمل می کنند و سازمان های جدیداً جمعی تشکیل می شود ، مشارکت زحمتکش در امور اجتماعی و در اداره امور کشور افزایش می یابد ."

گزارش به عرصه های مختلف گسترش دمکراسی سوسیالیستی پرداخته و میگوید : " مهمترین مساله رشد و تکامل دمکراسی در تولید ، بیشتر در انتخابی بودن رهبران کارخانه ها ، کارگاه ها ، شیشه ها بخش ها ، موسسات و دامپور و تیزا انتخابی بود . استادن کاران و سرپرستان بریکادها است . گزارش شیهو های نوین آمارها و اقتصاد ، خودکفا شوی خود اتکالی مالی و تا مین هزینه ها این مسئله را به حیطه عمل می کنند ."

در مورد تکامل سیستم انتخاباتی در گزارش گفته می شود : " دفتر سیاسی تکامل سیستم انتخاباتی را ستی اولی دمکراتیزاسیون میداند که سیستم کنونی این سیستم ، شکل گیری شوراها و نما بندگی دمکراتیک تمامی اقتارها را این شوراها را تا مین می کند ، اما ما نهادت می نهاد های سیاسی اقتصادی ، سیستم انتخاباتی نیز نمی توان اندر اکس بنا بندو از فرآیندهای مربوط به نوسازی میرا بانند . مساله در دست کیه با نتخا بکننده ایگان داده شود نظر خود را نسبت به تعداد دبیرتری از نامزدها بیان کند و یک رشته عنا صر فرمالیستی از تشریفات را فکیری زده شود ."

در گزارش تاکید می شود : " دمکراسی واقعی در خارج ویا در درونی قانون وجود ندارد ، در مقابل رهنمود های کنگره ۲۷ ، کار عظیمی در جهت تهیه و تصویب قوانین جدید در رابطه با رشد و تکامل اقتصاد و فرهنگ ، و خودگردانی سوسیالیستی و در رابطه با گسترش حقوق آزادی های شروندان در پیش است . تاکیدی می شود که دمکراسی سوسیالیستی بیوجه اشتراکی با خودکامگی آنارشی و بی مسئولیتی ندارد ."

دبیر کل ج. ک. ا. ش در مورد سیاست حزب نسبت به کارها گفته : " امروز مهمترین وظیفه تکامل سیاست کار است . باید این سیاست را واقعاً امروزی کرد ، فعال تر و هر چه در خود پدید آورده است ، تنگاتنگ با راسا های کلیدی مبارزه در راه تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی بیوندد . برخورد کارها به نوسازی ، آن هبند در حرف بلکه در عمل ، در حکم ملاتق قطعی سیاست کار در عرصه های میزان این سیاست است . سیمای اخلاقی و صلاحیت کارکنان ، تخصص بالایی حرفه ای آنها ، آشتی پذیری شان با ناسا ئیها ، گهنه پرستی ، بی تفاوتی و نشاط و بیای بندی انسان به هر آنچه که پیش رو مترقی است در شرایط کنونی از اهمیت عظیمی برخوردار میگردند ."

" تعمیق نوسازی در جامعه معنای آزادی کار حزب و کارهای آن در تمامی سطوح ، از کمیته مرکزی تا سازمانهای اولیه است . این مره معنای درک خلاق و اجرای پیگیرا صول و موازین لئینی زندگی حزبی در تمام حلقه ها است ."

پلنوم در فضای سازنده بحث و بررسی مسائل خاد و بر پایه هیئت پرداخته که در گزارش مطرح شده است . در پ این میخائیل گورباچف کار را جتصوف تا کند کرد : " حال که گفتوگوا نه با بان رسانندیم باید تصمیم بگیریم ، طبیعی است این سؤال طرح شود : آیا پلنوم ما توقع کمیته است و مردم شوروی را برآوردیده میزند ؟ این سؤال چگونه با پدید آمدن ؟ دقیق ترین معیارها ، این پلنوم رویداد سیاسی بزرگی در حیات ج. ک. ا. ش و جامعه شوروی است ."

" فکر می کنیم بااطمینان می توان گفت که پلنوم ، حزب و کشور و تمام جامعه را در راه نوسازی به پیش می راند . اما شرط حیاتی آن که اهمیت پلنوم یگانه ای تمام عیار را هر گردان است که دفتر سیاسی کمیته مرکزی ، کمیته های مرکزی احزاب کمونیست جمهوری های متحده ، کمیته های منطقه ای ، ایالتی و

## زنده باد سوسیالیسم



# ویتنام در راه چیرگی بر موانع رشد

شمین کنگره حزب کمونیست ویتنام در واخر آذرماه برگزار گردید. در این کنگره مجموعه فعالیت حزب مورد ارزیابی جدی قرار گرفت. رهبری حزب ضمن تاکید بر دستاوردهای خلق ویتنام و بنا بر اساس سیاست کمونیستی به تقادیر نا سانی ها و خطاهای رهبری حزب در زمینه های مختلف پرداخت و وظایف حزب را در راستای های مختلف تعیین نمود. کنگره تغییراتی در ارگانهای رهبری حزب، کمیته مرکزی، هیئت سیاسی و هیئت دبیران انجام داد.

در وقت تدوین کنگره، کمونیست ها و خلق ویتنام فعالانه در ارائه نظرات و پیشنهادهای شرکت جستند و تلاش نمودند تا کنگره با شناخت از دستاوردها و مشکلات نا رضایتیها به اصلاح های سازنده تر دست یابد. کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در گزارش خود به کنگره اظهار داشت: "... خلق ما با پیشبرد مبارزه های شجاعانه برای تحقق وظایف و اهداف تعیین شده توسط پنجمین کنگره حزب کمونیست ویتنام و با غلبه بر مشکلات و موانع، به پیشرفت های مهمی در امر ساختن سوسیالیسم سوسیالیزم دست یافته است. در تولیدات و کشاورزی و صنعتی پیشرفت محسوسی حاصل شده است. فنی که در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۰ مشاهده می شود، گردیده است. آهنگ متوسط سالانه افزایش تولیدات و کشاورزی را برخلاف ۱۹ درصد در سال های ۱۹۶۸-۱۹۶۰ معادل ۴۹/۹ درصد بوده است. تحولی مهم در تولیدات و صادرات داشته است و حجم متوسط سالانه تولیدات از ۱۲ میلیاردیون تن در سالهای ۸۰-۷۶ به ۱۷ میلیاردیون تن در سالهای ۸۱-۸۰ افزایش یافته است. آهنگ متوسط سالانه رشد تولیدات صنعتی به بعضی ۶۶ درصد در سالهای ۸۰-۷۶ و ۹۱/۵ درصد در سالهای ۸۱-۸۰ رسیده است. آهنگ متوسط سالانه گذشته هم اکنون به ۴/۴ درصد افزایش یافته است. طبیعتا به پیشینه اخیر چند صد پروژه نسبتا بزرگ و همسازان پروژه متوسط و کوچک از جمله در عرصه تولید انرژی، ماشین سازی، صنایع نفت، صنایع نساجی، آبپاشی، حمل و نقل و غیره اجرا گردیده است. در گزارش ضمن برشمردن کامیابی ها و گفتگویی می شود: "ولی در عین حال کشور ما در عرصه های اجتماعی اقتصادی با مشکلات معین مواجه شده است. حجم تولید ترقی کرده است... ولی شریکیتی تولیدی و سرمایه گذاریها کمترین یا بی ثمری داشته و در شمار نا رضایتیها، همچنان رویه تنزل است. کارخانجات در مجموع خودتنتها با ضعف ظرفیت کار می کنند. در بسیاری نقاط، بهره دهنی کارروه ها هنوز بوده و کیفیت محصولات بدتر می شود. "

"از منابع طبیعی کشور به گونه ای نامعقول و اسراف کارانه استفاده می شود. گردش کالای پولی با اختلالاتی همراه است. در عرصه توزیع بی نظمی حاکم است و این بر تولید و زندگی شهروندان تاثیر منفی می گذارد. میزان تورم به سطح بالایی رسیده، قیمت ها سریعتر رشد می کنند... نقی رهبری کند شده بخش دولتی اقتصاد تضعیف شده است. "

زندگی مردم هم اکنون مشغول با مشکلات است. میلیون ها نفر از افراد را توان کار تمام با یساختها بیگانه، بسیاری از زمینهای بی حق مابقی و فرهنگی مردم حتی در سطح حداقل هم بیسر و پرورده نمی شود. بدهیهای معینی در جامعه همچنان رشد می کنند. عدالت اجتماعی تقویت می شود. گزارش دبیررسی ادواریها و نا رضایتیها می گوید: "در مجموع ما به اهداف تعیین شده توسط پنجمین کنگره حزب کمونیست ویتنام دست نیافته و از جمله در تثبیت اوضاع اقتصادی - اجتماعی در کشور و تثبیت زندگی مردم موفق نبوده ایم. از این رو هم اکنون تجربه و تحلیل عمیق دلیل شده و بیرون ملاحظه کردن اشتباهات و کمبودهای فعالیت حزب و دولت حاضر اهمیت بزرگی است. "

گزارش تا کمیته می کند: "بنا بر ذهنی گزارشی در رهبری، شتاب زدگی و تمایل به فرار جیدن از مراحل ضروری، حزب در چهارمین کنگره خود، آهنگساز و فو راستای اساسی رشد اقتصادی - اجتماعی کشور را

در مرحله آغازین گذار به درستی تعیین ننمود. طی سالهای ۸۰-۷۶ ما در واقع بدون داشتن زمینه های کافی خط منی شتاب بخشیدن به صنعتی کردن کشور را پیش می بردیم. در عین حال از نوسازی ساختار کهنه شده اداره اقتصاد دیده کندهای صورت می گرفت. "

"کتاب زدگی، تمایل به انحصار، بلا درنگ نهادهای غیر سوسیالیستی در اقتصاد، و تبدیل سریع بخش سرمایه داری خصوصی به دولتی، وجود اشتباهات در عرصه تولید خرد که لازمی به کار اکثر ویزگیهای تک تک رشته ها و تک تک پهنه ها، و انتخاب اشکال مناسب برای سازماندهی آنان کم توجهی می شده است. "

گزارش زاری گفته می شود: "ما هم در آگاهی و هم در فعالیت عملی خود به این درک نرسیده بودیم که در کشور ما اقتصاد چند ساحتی وجود دارد و بر سر این مبدئی سنا سنا طواری باقی خواهد ماند. با قانون انطباقی مناسبات تولیدی با کاراکتر و سطح رشد نیروهای مولده را بطور کافی قرار نگرفته و بطرز محجوب کار نمی بردیم. "

"از یک طرف محافظه کاری، مانند عدم تمایل به بازسازی، و از طرف دیگر شتاب زدگی، برخاسته از سادگی نگاه، و تمایل به تحمل یکباره تمام مناسبات طبعی در کوتاه... در عرصه سازماندهی بزرگترین کمیته کارگری و عدم تحرک است. بر کمازی و جابجایی کار در بین سمت های رهبری دستگامهای حزبی و دولتی طبیعتا نگرش های کهنه شده با معیارهای نادرست و بصورت فرمالیته بدون در نظر گرفتن وظایف سیاسی و نیازیهای موندیهای موجود صورت می گیرد. کار بدون برنامه ریزی و نظم لازم، بدون در نظر گرفتن نظریه ها صورت می گیرد. شیوه های رهبری و روشهای کار از بیوگرافتسم رنج می برد. قاطعیت و وحدت عمل کافی وجود ندارد. در ارگانهای حزبی تخلف از موازین لنینیستی زندگی حزبی و قبیل زهمه تقضی اصول مرکز به دیگران تکب مشاهده می شود. دستگاه حزب و دولت سازمانهای اجتماعی عرضی و طولانی شده و فاقد هماهنگی کامل می باشد. مسئولیت اشتباهات و نارساییها مذکور در رهبری حزب در درجه اول بعهده کمیته مرکزی و هیئت سیاسی و دبیرخانه حزب کمونیست ویتنام و شورای وزاری جمهوری سوسیالیستی ویتنام می باشد. لازم به تذکر است تا اخیر در بر کمازی صحیح هسته رهبری، مستقیما موجب آن گردیده است که رهبری حزب طی سالهای اخیر جوانبگویی خواستهای و وضعیت نوین نباشد. کمیته مرکزی بخاطر اشتباهات و خطاهای که مرتکب شده است خود انتقاد می کند. از این نظر یک انقلابی ما سابقین گذشته ای توان درس ها را نگرفت. اول حزب در کلیه فعالیت خود با بیستی بطور کامل از ایده اقتصاد به توسعه بیرونی نامید و بحق خلطی زخم کشی در اقتصاد دستخیز را به رسمیت شناخته و گسترش دهد. ما نباید حزب را تنها به مکتبها، با وضاع واقعی باشد و قوانین عینی را در نظر گیرد و بر طبق آن عمل نماید. ثالثا حزب باید تطبیق نیروی ملت با قدرت دورا بر شرایط نوین را فراموش نکند. رابعا ما اشتباهات حزب را با بدنامی سطح وظایف سیاسی پیمانای حزب حاکم که مردم را در امر تحقق انقلاب سوسیالیستی هدایت می کند، ارتقا داد. "

"انحراف عهده بدو لوزیک که اشتباهات اقتصادی مذکور و به ویژه اشتباهات ما در عرصه سیاست اقتصاد بی نظمی و بیگانه سازی و بیرون راندن است از ذهنی گزارشی و اراده گرائی، شیوه تفکر و عمل ساده نگارانه، کمپها دادن به قوانین عینی و نادیده گرفتن آنها می باشد. " ما به موازات ذهنی گزارشی و شتاب زدگی به سادگی کار کردی و محافظه کاری نیز مبتلا بوده ایم. در عمل این دو گزارشی ما هم بیستی دارند و بطور جدی ما بحل و فصل وظایف ما در آینده خواهند داشت. اشتباهات و نارساییها

در رهبری اقتصاد دوجا مع در تحلیل نهایی، معلول خطاهای موجود در کار حزب در زمینه بدو لوزیک، سازمانگیری، کار در راه است. این ها علت اصلی می باشد در عرصه بدو لوزیک، عقب ماندگی در تفکر، تئوریک و بی کارگیری قوانین حاکم بر دوره گذار خود را نمایان ساخت. جمع بندی تجربه عملی خویش و ملاحظه تجربه کشورهای برادر مورد توجه کافی قرار نگرفت. طبیعتا مدتی طولانی، پیرامون بسیاری مسائل بنیادی و در تصمیمات جدی سیاست اقتضای در کلیه سطوح رهبری وحدت نظر وجود نداشت. فقدان وحدت بکندی و فرعی می شود. میان نظرات مختلف اغلب اشتیاق صورت می گیرد. و نتیجه گیریهای دقیق به عمل نمی آید. در نتیجه مسائل انبساطی می شوند اما حل و فصل نمی گردند. تروین شین در گزارشی خود می گوید: "ظرف ده سال گذشته دو کنگره حزب مسا له با این تحولات سوسیالیستی را مطرح کردند. اما این وظیفه با اجرا نرسیده بود. زندگی درس آگاهی داده میسر برای اینکه بنا به عجلانه و برخلاف قوانین عینی عمل کرد. هم اکنون این سن و هشمو در با بدیه شریکیت بر خیزیداد. "

پیشبرد فعال تحولات سوسیالیستی در طول دوره گذار به سوسیالیزم وظیفه ای است مستر و مه اوم که به اشکال و آهنگ های متناسب به اجرا در می آید. در نتیجه مناسبات تولیدی کاراکتر و سطح نیروهای مولده متطابق گردیده، شرایط ضروری برای تسریع رشد نیروهای مولده بیوسته متن می گردد. "

در بخشی که به مسائل ارتقا سطح رهبری و رزمندگی حزبی اختصاص یافته است در گزارشی گفته می شود: "ما می آنچه که توسط ما انجام گرفته یا نگرفته شده است. از آنست که فعالیت رهبری کننده حزب فعلا از سطح وظایف مرحله نوین رشد عقب مانده است. علت بنیادین این عدم انطباق در آن یافته است که ما طی مدت طولانی به ساختن حزب توجه کافی مبذول ننهادیم. در این زمینه خطاهای مرتکب شده ایم. ما بدین سندی که سطح کار عملی سوسیالیستی حزب را همزمان با بالابردن شریکیتی اداره دولتی روندهای اجتماعی اقتصاد را ارتقا بخشیم. در برابر ما وظیفه نوسازی همه جا به قرار دارد. نوسازی تفکر و سیاست حزب در مورد کار در راه، نوسازی سبک رهبری و کار... "

"نوسازی ضروری است و قبیل از همه نوسازی تفکر برای تحقق این مهم حزب با بدیه ما هیئت انقلابی و علمی ما رکتسم - لنینیسم کند انکار نماید. میراث ارزشمند بدو لوزیک و تئوریک هوشی مین را بیگار گبیردوا زدست آوردن و تئوریک و تجربه غنی احزاب برادر و داده های علوم معا رسود جوید. " گزارشی تا کمیته می کند که: "رهبری جمعی و دمکراسی در زندگی درون حزبی با بد تقویت گردد. ارتقا سیاسی کیفیت کار رکتسم های حزبی مهم ترین وظیفه روز شما می شود. ما نباید تقادیر خود را تقادیر شدید بنمود. ما بر باید تقادیر خود را تقادیر خود را تقادیر خاص دمکراسی درون حزبی و مسئولیت حزب در قبیل مردم تبدیل گردد. "

انتقاد شجاعانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام از نارسایی ها و خطاهای حزب گرفته و تعیین وظایف آینده حزب، بیگانه را راه بر سهوی شکوفا می سوسیالیزم در سزمین قهرمان ویتنام خواهد گشود. ویتنامی که توسط امپریالیسم ویران شده است، کشتزارهایش تا بوشد و خرابیهای وسیعی بر اثر شربخارا بنا را بنا بوجود نهد. امروز کمونیست های ویتنام با بدیه و جهت علیه امپریالیسم جهانی و با کمک ما ملین بوز سر کرده اهریمن های عالم امپریالیسم آمریکا نیست بر تر از آن قهرمانی آنان در دیدن واقعیت، وفا دار به حقیقت و با زبانی آزاد کارانه جامعه بسواد انسان و همه آرمانهای آزادیخواهان، صلح طلبانه و عدالت پژوهان نسبه است. "

کس حال گفت: "فقط سوسیالیزم قادر است خود را نوسازی کند. " روزه ما رشد به بر یک حزب کمونیست فرا سه نیز انظار داشته: "ا بدها ملی حاکم بر این امر چنین است: انسان با بدیم کور همه چیز باشد. ما بدیم برای اوستیمز راه و کار کرد. " روزه ما رشه گفت: "تصمیمات شما در جهت بهبود ارتقا و توزیع و گزینش کار در راه... به ارتقا حرکت حزب شما معادرت خواهد نمود. حزب را قادر خواهد ساخت تا نیروهای جدید و زنده ای را جذب کرده و روح رزمنده کمونیست ها را تحکیم بخشد. " امروز هم عمل و اندیشه انسان شوروی سیاست انقلابی و او را به حزب از روح و سن فرا سوش نشدنی اکثریت فکری پذیر نیست. آینه در اندیشه کردن و کار کردن برای آن - به آینه آله های بشردوستی، اخلاقی و عدالت سوسیالیستی جامعه عمل پیوسته است. چنین است جوهر فعالیت حزب لنینیسم و تصمیمات پلنوم و انبویه. انقلاب اکثریت در اقتصاد شوروی ادامه دارد. "

مردم شوروی، با زتاب گسترده ای در سطح جان و درین احزاب کمونیست و کارگری پیدا کرد. اکثر احزاب کمونیست و کارگری به استقبال دستاوردهای پلنوم شتاب فزاینده و گزارش از آره کمیته مرکزی، که این شتاب داری گفتند. "

کس حال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا در مباحثه با روزنامه بر او را اظهار داشت: "هدف نهایی این فرآیندها عبارتست از تسریع نوسازی رشد اجتماعی اقتصادی تمام کشور گسترش دمکراسی سوسیالیستی برای دست یابی به این هدف لازم است موانع موجود را از میان برداشتی و از اشکال و شیوه های کهنه خلاص شد. "

"سکوی عینی مستحکم برای جهت نوین بجلوس، سطح عالی توسعه صنعتی و علمی، سطح عالی آگاهی سوسیالیستی و روابط متقابل سوسیالیستی بین مردم است. دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما شوروی امکان می دهد مغفلان را که در جریان پیشروی پر شتاب به کمونیزم بوجه اول منشا جان عمل نماید. "

کمیته های حزبی شیر، ناحیه، و جومه و اما مسمی سازمانهای حزبی کشور، همه آنچه را که ما در این پلنوم حل و فصل نمودیم به اجرا در آورند. " وی ادامه کرد: "ما در اول راه هستیم. اما بر سرسیه بنا به سال ۱۹۸۶ نشان می دهد که پیشرفت حاصل نشده است. این پیشرفت نتیجه مستقیم پیشرفت های خلق شوروی و نوسازی و تسریع است. اینجا شیل کار با جف گفت: "حال مگر ما می توانیم این را ببینیم و بر آن سیم که هیچ چیز صورت نگرفته و هیچ بصورت نمی گیرد. " انقلابی ای کمی نیست که عوارزات انقلابی بسازد می گوید، بلکه کمی است که با مورد توجه قرار دادن هر گام پیشرفت و استفا ده آن در جهت دست یافتن به نقطه اشکالی دیگر برای گام جدید گسترده تر. قادر با شد و در راه تسریع کند و خلق و حزب را برای مبارزه طولانی و بی گریس می نماید. "

در پایان مباحثات شیل کار با جف نماینده اعضای حزب به برگزاری کنفرانس سراسری حزب را اعلام داشت. پلنوم را نوبه به جهت اهمیت و نقش آن در حیات

ما استاد ایم

بیرون بلول، چمنیام را بستند، وقتی که نسیم خاک را روی صورت ورم کرده ام احساس کردم، فهمیدم که از ساختمان بیرون آمده ایم، نمی دانستم که بیست و یک سالگی ما را از این لحظه ها، لیزه ای ناگهانی بر تمام بدنم افتاد. سه درون اتوموبیلی هولم دادند، دوتفریادار مسلح در کنارم نشستند. ماشین در جاده اسفلته و از دروازه ناهموار و بردست اندازی شده پس از حدود یک ساعت توقف کردیم، چشم بند را باز کردند، وقتی که چشم هایم به نور عادت کرد فهمیدم که در بیابانهای اطراف تهرانیم، رس هشتم، برای چند لحظه قلمی تیشی غیر عادی را آغاز کرد، قلمش را به سمت من برد، منم که برخی از زندانیان را در همین بیابانها سربیه نیست کرده اند.

ما را کجا می برید؟  
یکی از پاسدارها با خنده گفت: بر اون دنیا، وصیتی نداری؟  
همه جا ساکت بود. فقط صدای آرام باد به گوش می رسید که وقتی به خارو شاخک بیابان می پیچید، مثل روزه ای محزون بود. آنجکه در اطراف بود را با نگاه می بینیدم و بدرود می گفتم. آسمان صاف صاف، بیون یک لکه ابری بود.  
غراه بفت. اگر هم سرعتل آمده، فقط دستیایت را با لایبر، حدود ۱۰ قدم پیش رفتی. هر لحظه آماده بودم که شلیک کنند. صدای گلنگدن مسلسل را شنیدم. گام ها ست می شدند. کینه و نفرت از این جانوران هفه وجودم را فرا گرفته بود. گسور شدن در این بیابان بی نام و نشان هم دردناک بود. صدای زنگار، هوارا نکافت با هایم شل شدند و سینه زمین افتاد. احساس می کردم که نه نیستی غلبیده ام، همه چیز در دور و بر ساکت بود ولی هنوز نفس من می کشیدم، صدای قهقهه دیوانه و آریکی از آنها بلند شد، با لای سر می شدند، بلندم کردند و به درون مائین پرتاب کردند. دوباره از همان راهی که آمده بودیم، برمی گشتیم، خوشحال بودم که هنوز زنده ام و ولی خوشحال تر از این نانت که دلبران استادگی کردم.

تمامی یکنه گذشته، شکنجه و بازجویی شده بودم. ابتداء در کمیته خیابان فردوسی، بعد در زیر زمین یک خانه مخفی و سرانجام در اولین توسط "حامد ترکه"، جلاد دیوانه ای که تا به حال چندین نفر را با دست های خود به قتل رسانده بود، مدارگی که از من داشتند، چندین بچه از یک شماره "کار" و یک رادیو موج زا بینی بود که یکی از خواباننده نام برای تعمیر به تهران آورده بود و آنها مدعی بودند که از ابزار بیچیده جاسوسی است.

بار دیگر روی مندی اتان بازجویی نشسته بودم. همان سوالات آشنا بود، با بازجوی تازه ای به نام رحیمی.  
ما که می دانیم تو چکاره هستی و چکاره ره سوده ای. نان جو که نخورده ایم، می فهمیم که دروغ می گویی. چرا ای افرادی راکه با آنها تماس داشته ای نمی گویی؟

آنچه راکه در همه بازجویی های گذشته گفته بودم، بار دیگر نوشتم: هوادار ساده از زمان هشتم که نشربه می خریدم و می فروختم، مشولی ندا شستم. نشریات راهم یک نشربه تا محسن - که آدرس منزلم را داشت - برام می آورد.  
پس از خواندن پاسخ ها، با عصیانیت گفتم: معلوم می شود که نمی خواهی راست بگویی، پس برو که شو. آنقدر در زندان بنگهت می دارم که استخوانهایت هم بپوسد. دیگر هم ترابه بازجویی نمی آورم، هفت روز وقت خودت خوانستی حرف بزنی، به برادرها بگو. آذرباه سال ۶۰ بود که به سلول قرظنطنسه منتقل شدم. اتاتی ۳/۵x۳/۵ بود که ۲۵ نفر را در آن جا داده بودند. جایی برای نشستن نبود. از کمبود هوا، غالباً دچار تنگی نفس می شدم. برای نشستن با بدقت باها را در تنگ جمع می کردم و تازه ایمن در حالی بود که عده ای به نوبت سر می ایستادند. غذا، یک کرده نان سربازی خشک با خرما و گاهی پنیر بود. در این ماهها، نشی نبود که کمتر از ۱۰ تا ۱۵ نفر اعدام شوند. تیربارانها اگرایت بند ۴ اوین قدیم صورت می گرفت. ما صدای رگبار و تیرباران خلاص را به وضوح می شنیدیم. با شنیدن تیرباران خلاص می توانستیم تعداد تیرباران شده ها را بفهمیم. لاجوردی جلاد، عده ای از زندانیان را برای تلاش ای اعدام همزمان و جمع وری جنازه ها به ما می برد تا بدین وسیله آنها را دردم بکشند. من تعداد زیادی از زندانیان را دیدم که در همین صحنه ها دیوانه شده بودند. یکی از آنها را شناختم و روزی ازنجیر بسته در آنجا شنیدم. کاهی که به هوا خستوری می آمد، بازنجیرها بی تن می قشید و او می زد: "ا شش شب عروسی من است." در همین دوره بود که لاجوردی

دستور داده زندانیان برای رفتن به هوا خوری ده دقیقه ای سرود "خستنی ای امام" را یاد خوانند. با اعتراض و مقاومت و تحریم و تحریم هوا خستوری سرود خوانی اجباری ملتی شد. در اتا قها و سلولها، شیش و انواع بیماریها پیدا می کرد.

به اعتقاد لاجوردی، زندانیان ۲۴ دسته بودند: جنس ها و منافقین، این جلا، بی برده می گفت که کمونیست ها دشمن اصلی ما هستند نه امریکسا. بایدنسل همه شان را از روی زمین کند.

پس از نزدیک به یک سال به سالن ۳ آموزشگاه منتقل شدم. این روزها مصاف با مصاحبه تلویزیونی تعدادی از زندامین و اعلام همکاری بود. اعلام کردند همه کسانی که هم ولایتی صحابه کنند ما هستند، باید انامی شان را بدهند. سخت در مانده بودم که چه کار کنم. در میان کسانی که توبه کرده بودند، لااقل از تجربه خوبی برای شناختنم. سر آخر تصمیم گرفتم که نام را ننویسم. یا نمی فهمیدند و اگر هم می فهمیدند، مثل گذشته همه فعالیت های خود را انکار می کردم. خوشبختانه بعد از آن کسی به سراغم نیامد.

او خردی ماه ۶۱، ناگهان نام را بسرای بازجویی خواندند. رحیمی مثل تک هار، بیسارین می کرد. قیافه اتی از زور و مصیبت از حالت آدمیزاد خارج شده بود.  
- فلان فلان شده، تو علناً به ما دروغ می گویی و این جا مفت می خوری و می خوری. ما همه کارهای را که در منطقه کرده ای می دانیم، تو کارمند اجراسی آن منطقه بوده ای و یک کلمه هم نگفته ای. ایسین آخرین اطرافت را، اگر همه حرف های بازجویی خودم، تکه ای راهت می گفتم.

کاشوقلمی رابه صورتت پرتاب کرد و از اتاق خارج شد.  
برای چند لحظه کجج شده بودم صدای قلمی را می شنیدم. جای بخیه هایم تیر می کشید. یک لحظه گمان کردم که همه چیز را فهمیده اند، زیرا تا به حال نمی دانستند که در آن منطقه کار می کردند و در آنجا زندگی می کرده ام. بلند بلند با خودم حرف می زدم: آرام باش. یک بار دیگر همه چیز را مرور کن، خودت را نشانما.  
ناگهان جبری در مغزم پیروزد اگر آنها ساز فعالیت های من در منطقه خیردا شدند، پوست از من کله ام می کنند نه اینکه عنوان کنند که کارمند اجراسی بوده ام. به سرعت داستانی باختم و وقتتند با خط کج و کوکله شروع به نوشتن کردم: سال ۵۹ سپاه به مردم اطلاعیه داد که شهر را تخلیه کنند. من هم همراه با خانواده ام به دهات اطراف شهر رفتم. بعد از این بود که با یک سازمان نامیده سس کارهایشان بر کردند. ولی من مطلع نشده بودم، وقتی که با ناخبریه سرکار برگشتم، حکم اجراجم رابه دستم دادند. "بقیه داستان راهم، موبه مو مثل بازجویی های قبلی نوشتم.  
جنداستی مطرب و منتظر نشسته بودم، بالاخره رحیمی آمد. کاشقند را گرفته به سرعت خوانند و بی عطشی شروع به کتک زدن و بدویاره گفتن کرد. اما سرانجام پس از یک ساعت کوتاه آدم مرا به اتاق فرستاد.

دشوار ترین روزهای زندگی من را با بازجویی ترسین لحظه ها، نورد ریق تیرمانی گذراندم که همیشه نقشی عظیم در زندگی و مبارزه سیاسی بسیاری از زندانیان سیاسی این دوران داشت.  
روزهای سخت بیمن، رفیق رضی الدین تا نان رابه اتاق ما آوردند. رضی چهار روزیم ما در "کمیته مشترک" با چشم های بسته و در راهروهای بند، شکنجه و بازجویی شده و سینه ای اوین انتقال یافته بود. وقتی که نزد ما آمد، خونریزی معده داشت و تمام مفاصل و کمربش دردی می کرد. با فضای محدودی که برای خواب نبود و دردی که در تمام بدن داشت، غالباً نمی توانست بخوابد. اما زخم های تن، جانش را در هم کشیده بود. طبرغم تنگی نمی تابست. حرکت داشت با ما، همراه ما می و تا به آخر ورش می کرد. خنده و شادایی اتان را سرشار از مصاف بودیم. با ایستکار و کلاسیای مختلف بزشکی، زبان و ریاضی به راه انداختیم. بافتن کیف و وسایع از جنس جوراب و زیربیراهی رابه با یاد داد که سرگرمش در تمام روزهای تنهایی در سلول بود. با دم نمی دو جان غسنگی زیبایی راکه یافته بود، باجه ذوق و علاقه ای برای هدیه به خانوادش به ملاقاتی می برد. برای نوروز ۶۲، تدارک جشن را خودش به عهده گرفت. با انزوی و شور و شادی، همه رابه فعالیت واداشته بود. عیدان سال را همراه با این سبیل زندگانی و شادمانی، جشنی بزرگ در زندانی کوچکمان - که همان اتان سالن ۳ آموزشگاه زندان اوین باشد - برگزار کردیم. رضی برایمان مشیتدی خوانند، خندید، بازی کرد و در سایر برنامه ها شرکت

کرد. بچه ها از گروه های مختلف، انوربته اوربا جان و دل در بر خود بنا پلیس و زندگی در اتان پذیرفته بودند. زیرا که در عمل او را زودمه بودند. بگروژ که به ملاقات رفته بود، با رفیق دیگری در اتان ملاقات تماس گرفته بود. پاسدارها گزارش داده بودند، چند دقیقه پس از آن بکم برگشت، تعدادی از شکنجه گران با سر و صدا وارد اتان شدند. بسا خوشونت هم را روی دیوار رکودند. نماز می خواندند، گفتند که چند قدم به عقب بیاید، به صورت خواب و بپراهنی را در آورد، صدای آشنای سوت شلاق بلند شد. انگار دارنده پشت هر کدام از ما می زند، چهل ضربه شمریم، اما همتا که صدای ناله ای برآید. یکی از جلادان گفت که چون او در ملاقات، مقننرات زندان را نقض کرده، تعزیر شده است و اگر باز درگیر تکرار شود، برخورد دیگری با او خواهد شد و از اتان ق بیرون رفتند. وقتی که برگشتیم، تمام کمسرو پشش سیاه و کبودیها خونی شده بود. دلها و چشم هایمان پراکنده بود. اما رضی با لبخند و همیشگی اش برخاست، ما را تسلی می داد: "عینی دارد."

خیلی بشتگرم بودیم که رضی در میان ما است. برایش از جریان بازجویی هایم گفتیم. جواب داد، برخوردی که تاکنون کرده ای است و لایق ابداه ولی این است که احتمال دارد، بلوف زده باشی. در بازجویی اگر "الف" را گفتی تا "ق" را هم با بدی گویی. روزهای تلخ از بیست و ۲۶ رسید. رضی از پیش به ما گفته بود که حکما برای ما برنامه ای دارند و قرار گذاشت که در برنامه سلول برنده، قرضاییم را اعداد ما می گذارم و بعد می خوام که براسیم بیاروند تا شما بدانید که در سلول هشتم، اوضاع فوق العاده دشواری بود. با تمایشات تلویزیونی نگاههای همه بجهایه سوی او برگشته بود که بگوید چه اتفاق افتاده است. از یاد نمی برم آن اعتماد به نفسی راکه در چشمهای مهربانش داشت. سرانجام لب به سخن گشود. پس از کوتی نه چندان طولانی:

"من از قضا با خبر ندارم. اما یک چیز را میدانم و آن اینست که هر کدام از شما حزب هستید و اینجا هر کس با بدخودش را نشان بدهد، که قدر او موخته است و حقش توان دارد. پس استوار با بستم."  
گفتا تشر را با اولی می بینیدم. برق چشمهایش، کمز و انتقال می بریدم. بیروبی که اجازه ندا حتی یک نفر هم از اطراف ما تسلیم دشمن شود، نیرویی که شوندا تشر را تا به آخر سرفرازی کنی داشت. آرزویی، با تاداری برای بردن قرض های آمد، اما آرزویی که دیگر در این جمع نبود. خبرهایی که از بیابانری و مقاومت او می رسید، همچنان فولاد راده هایمان را آب می داد.

هفته بعد، تعداد زیادی از فدائیان را بسسه سلولهای انفرادی بند ۲۵ بردند. پس از ۲۰ روز تنهایی در سلول انفرادی، مرا به بازجویی خواستند. این بار کار با دفعات گذشته کاملاً متفاوت بود. فرم مفصلی شامل ۵ صفحه از تمام اطلاعاتی که فرد می توانست داشته باشد را در پیش رویم گذاشتند. از این فرم تنیاتی آنچه راکه مربوط به خودم بود و او را هم مطابق با بازجویی های گذشته نوشتم. اوج دیوانگی بازجویی بود که فرم انترجانرنا مرا امضاء نکردم. رگبار فحش و تیرازهای آب نکشیده را بر سرم جارید. چند لحظه بعد در زیر زمین تاریک و سیاه بودم. چراغ برنوری را در مقابل چشمانم روشن کردند. شش نفر در پشت چراغ معلوم بود. ارشد نور، چشم هایم داشتند و گویی دیده، یکی از آنها جنگ درموها بسیم انداخته بود و ترا می کشید و او می زد. به چراغ نگاه کن، چشم هایت را با رگبار، با یک جور با شکنجی غیر عادی، سرم رابه دیوار تیر می کشید. بقایقی بعد از آن اتفاق دیگری منتقل شد. روی شش دست خواباننده و طناب با هایم را به بائین تخت و دستپا هم رابه جلوتخت بستند. یکی از آنها بسا خنده سوال کرد: یکا بل نمره جندی خواهی؟ و بر رویم تا بلوایی بود که ۴ نوع کابل با ریک و کلفتی بر آن آویخته بود. درخیم ای خواندن آینه ای از قرآن، ضربه را آغاز کرد. ضربه ها بالی ۵۰ بود که برای خاموش کردن مداوم، بی تنویس را روی سرم انداختند. شاید ضربات به مدرسیده بود که رحیمی آمد: - کیف کردی یا نه؟ اگر با زهم کله خری کنی، هر روز همین جا مهمات می کنم. با صادی گرفته گفتم: لایب شما ما موران سا هستند. بیرون رفت و باز هم ضربه ها آغاز شد. وقتی بسه هوش آمدم، پاسداری با یوتین روی باهای ورم کرده ام بقیه در صفحه ۴

### بیانیه مشترک احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادی بخش ملی بحرین

در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و نیروهای مترقی ایران در برابر سرارتجاع و در محکوم کردن پورش رویانه رژیم خمینی به سازمان مارتاستان گذشته، احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک طبعی اعلامیه مشترکی همبستگی خود را با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر نیروهای ترقیخواه ایران اعلام کرده اند. متن این اعلامیه به شرح زیر است:

#### تلاش به منظور پایان دادن به سرکوب نیروهای مترقی ایران

به قرائت اطلاعیه رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمان های مترقی ایران را که برای طبع و دموکراسی و بهروری مردم مبارزه می کنند، شدت داده اند. ارگان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی چند هزار نفر را از اعضا و همواداران و کارکنان فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای مخوف تحت شکنجه قرار داده اند. طی شش ماه از آوریل تا اکتبر سال ۱۹۸۶ تعداد تهران بیش از ۸۰۰ نفر از مبارزان بازداشت شده اند. قفسه های ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر ۸۶، بیش از یک هزار نفر از فدائیان خلق بازداشت شده و تحت شکنجه های شدید جسمی و روانی قرار گرفته اند.

جان بسیاری از فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در زیر شکنجه های وحشتناک قرار دارند در خطر جدی است و این امرگرانی همواره آرزای دخواهان را برانگیخته است.

اطلاعات رسیده حاکی از اینست که سرکوب شدنیها بهرادی (فدائی خلق ۳ ساله)، بهروز افشاری (ارزاق لیلین حزب خوده ایران) محمدعلی شرف الدین وعده دیگر از مبارزان و افراد وابسته به سازمان های ترقیخواه ایران در زیر شکنجه شدید است. آنچه به شدت نگران کننده است، آنست که جمهوری اسلامی ایران تا کنون کوچکترین اطلاعیه درباره بازداشت های وسیع انجام شده، انتشار نداده است. هیچکس از محل بازداشت شدگان اطلاعی ندارد و جمهوری اسلامی زندانیان را برای دستیابی به اطلاعات و تغییر عقاید خود تحت شکنجه های سخت و طولانی قرار می دهد.

ما ضمن اعلام همبستگی با مبارزات ملحق دوستانه و آزادیخواهان به مردم و نیروهای ترقیخواه ایران خواهان قطع شکنجه و کشتار انقلابیون و مبارزان زندانی در ایران و آزادی زندانیان سیاسی هستیم. ما خواهان آنیم که اسامی دستگیرشدگان ماههای اخیر انتشار یابد. دستگیرشدگان در دادگاههای علنی وقت توبیخ محاکمه شوند، سازمانهای مدیحه کشی اجازه حضور در این محاکمات، اعزام و کجیل مداخله و دیدار با زندانیان را بیایند و خشونت و سرکوب در زندانهای ایران خاتمه یابد. ما یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزان راه صلح آزادی و نیکبختی مردم ایران اعلام می کنیم و آزادی زندانیان سیاسی از شکنجه گاهای جمهوری اسلامی را خواهیم.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و نزدیک  
۱۴ آذرماه ۱۹۸۷

### بیانیه مشترک احزاب انقلابی و ترقیخواه هند

ما احزاب سیاسی امضاکننده بیانیه زیر در هندوستان نگرانی خود را نسبت به خطری که جان زندانیان سیاسی را در ایران تهدید میکند اعلام می داریم. بیانیه ای که از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافته، رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمانهای مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و نیکبختی مردم مبارزه میکنند، شدت بخشیده اند. ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب جمهوری اسلامی چندین هزار تن از اعضا، هواداران و کارکنان فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای قرون وسطایی تحت شکنجه قرار داده اند. تنها طی بازداشت وسیع ژوئیه، اوت و سپتامبر ۱۹۸۶، بیش از هزار نفر از فدائیان بازداشت شده و تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی قرار گرفته اند. در پی اعتصاب غذا ی زندانیان سیاسی در تهران خطر اعدام های دسته جمعی زندانیان افزایش یافته است. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران مدعا نقلی را مخفیانه دستگیر کرده اند. هیچ اطلاعیه از محل بازداشت دستگیر شدگان در دست نیست. ما اعدام شکنجه و دستگیری انقلابیون را محکوم می کنیم. ما خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری فدائیان اسیر و همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما قویا اقدامات وحشیانه رژیم را محکوم می کنیم و از همه مردم ملحد دوست هند تقاضا می کنیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران به ما بیوندند.

- حزب کمونیست هندوستان - ام فارقی (دبیر - هیت اجزاییه)
- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- کارکنان سینگ پورجیت (عضو هیئت سیاسی)
- حزب مردم - ام. آ. لاری (دبیر)
- جبهه پیشروی سراسری هند - دی. دی. شاستری (دبیر)
- حزب سوسیالیست انقلابی - بارنول چودری (رئیس)

#### درخواست

"کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی"

در روز ۲۲دی ماه "کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی" طی پیامی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که به دفتر این کمیسیون در یونان تقدیم شد، وضعیت دشوار زندانیان سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داده، خواهان انجام اقدامات موثر برای متوقف کردن روند تیرگی شکنجه و اعدام در ایران شد.

### بیانیه احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک، نیز امون نبرد در اردوگاه های لبنان

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک در تاریخ ۸/۱۲/۸۶ با انتشار بیانیه ای حملات سازمان اعل علیه اردوگاه های فلسطینی را محکوم نمودند. در این بیانیه آمده است: "ما شاهد شده ایم در خونین در اطراف اردوگاه های فلسطینی هستیم. نبردی که اثرات منفی عمیقی بر اتحاد نیروهای ملی لبنان و فلسطینی ها برجای می گذارد. این جنگ خونریزی در خدمت اهداف توطئه آمیز نظامی است که خواهان تقویت وضعی بین دولت برادر لبنانی و فلسطینی هستند. این جنگ خلاف منافع جنبش رهایی بخش خلق های عرب و بخصوص سوریه، این انقلابیون فلسطینی و نیروهای ملی لبنان است. این خونریزیها زمینه ساز توطئه های آمریکا و اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و راه گشایی طرح های سازشکارانه آمریکا، اسرائیلی است. اکنون اسرائیل و عوامل آن در لبنان از جنگ خونریزی اطراف اردوگاه های فلسطینی سودا نمند و در چنین موقعیتی می کوشند تا حضور خود در جنوب لبنان را دائمی ساخته و دستهایی به راه ملی که وحدت و تمامیت لبنان عربی را تا بین تمام دولتیان تحت ااداره حکومتی ملی راه پیشرفت دموکراتیک را در پیش گیرد، مانعیت نمایند.

احزاب ما خواهان آتش بس فوری و قطع جنگ توسط نیروهای اعل هستند. ما می خواهیم سازمان اعل حملات به اردوگاه های فلسطینی و محاصره آنها را قطع کند و از رعب و تهدید فلسطینیان برای مجبور ساختن آنها به ترک خانه و گناه خویش خودداری نماید. ما خواهان آنیم که با مذاکره و دستیابی به توافقنامه ملی لبنانی - فلسطینی هر چه زودتر توافق نامه وضع سابق بازگردد. احزاب ما تاکید می کنند که گفتگوی سیاسی تنها روشی است که زمینه را برای دستیابی به یک راه حل سیاسی مورد قبول هموار می سازد و نیروهای ملی لبنانی و فلسطینی را در مبارزه مشترک علیه اشغالگری اسرائیلی متحد می نماید. احزاب ما بر حق ملت فلسطین برای زندگی آرام و بهرور و تعرض در لبنان و حقوق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود برای استقرار دولت ملی در سرزمین خویش تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین که بیگانه نشدند تاکید می کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک  
(شرق عربی)  
۸۶/۱۲/۵

طی ملاقاتی که اخیرا بین هیات های نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جبهه آزادی بخش ملی بحرین صورت پذیرفت، طرفین در فضائی وثیقا نه و گرم بر اهداف مبارزاتی مشترک خود و خطهای ایران و بحرین در سربند علیه امپریالیسم و ارتجاع و بغا طرف دمکراسی و ترقی اجتماعی و مبارزه در راه تبدیل منطقه خلیج به منطقه صلح و عاری از حضور امپریالیستها تاکید کردند.

در این دیدار هیات های نمایندگی دو سازمان مشترکا اعلامیه ای انتشار داده اند. در زیر بخشی طی او این اعلامیه درج می گردد: "طرفین ادا به جنگ و تلاشی و تدارکات رژیم ایران برای گسترش آن و تصرف خاک عراق، همچنین بمبارانهای وحشیانه شهرها و روستاهای دوکشور در کشتار هزاران انسان بیگناه توسط رژیمهای ایران و عراق و ایجاد تشنج وضعی خطرناک در منطقه را محکوم می نمایند. طرفین بر این اعتقادند که باید تلاشهای همه جا نبدا سوی نیروهای ملحد دوست و ترقی خواه جهان برای قطع فوری جنگ و فصل اختلافات به طرق صلح امت میزبانی دادند، با احترام به استقلال و تمامیت ارضی دو کشور و تضمین آزادی خلقهای ایران و عراق در انتخاب نظامی اجتماعی و سیاسی دلخواه خود سازمان یابند.

هر دو طرف ضمن تاکید بر خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش، به پشتیبانی خود از فلسطین سازات رها نمی بخش خلق فلسطین بغا طرف دشمن کشور مستقل و ایجاب حکومتی ملی اعلام نمودند، همچنین کوشش در جهت ایجاد دوحه در سازمان آزادی بخش فلسطین بر اساس منی ملی و فدا میریالیستی و تلاش برای ختبی کردن نقشه های امپریالیستی و تسلیم طلبانه را مورد تاکید قرار دادند.

جبهه آزادی بخش ملی بحرین و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همبستگی عمیق خود را با جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرده و نقشه ها و توطئه های امپریالیستها و حکومتهای پاکستان، ایران و عربستان سعودی علیه انقلاب مردم افغانستان را محکوم می نمایند.

"شرط اشغال آمریکا از این روزیم خمینی برای پایان جنگ و جلوگیری از ورشکستگی می کوشد تنها "مادامی" واقعی هر روزیم بیرونی یعنی جلب حمایت امپریالیسم آمریکا بپردازد. خود در این راه قرار دهد. با توجه به این واقعیت است که رفقا سی اعلام می کنند: "اگر آمریکا اما دگی داشته باشد زبانی ما را بدهد و شرطی نداشته باشد، اما دگی داریم بگیریم" و عا جزانه بی نام می دهکد "حل این مسائل در دست امریکاست!" اکنون عمق زبونی را رژیم برای نزدیکی و ساخت و یاخت با امپریالیسم آمریکا بشتر روشن شده است، عریه جویی های دیویری و زدو بندهای امریزی در عین حال که نشانگر دورویی و نیندگی این رژیم است، حاوی تحارب نهیمی نیز برای توده مردم است که اکنون راه واقعی بیرونی را می بینند. کارنامه سرا با فریب و تیرگی رژیم خمینی یکبار دیگر ثابت کرده هیچ نیرویی هر چه در هم در ظا هر خوش را مدافع زحمتکشان و دشمن امپریالیسم قلند سازد، وقتی که دمکراسی و آزادی های سیاسی و بیوسزه آزادی کمونیستها را سرکوب کند، به جای طرفداری واقعی و تکیه بر زحمتکشان و به ویژه طبقه کارگر، سرمایه داران را مورد حمایت قرار دهد و آنها را "اسوانه انقلاب" بنامد، دفاع از نظام سرمایه داری را بر عهده گیرد و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی را بیش سازد و بیرون از "عموم" ارباب سرمایه جهانی خواهد پیوست.

شهادت شیرین فدائی... بقیه از صفحه اول  
حما سه مقاومت جانانه شیدا محمول ایمان عمیق اوبه آرمان طبقه کارگر، عشق شیدا ثانی به سوسیالیسم و آگاه های این بصل مبارزه سرخاسته با دشمن بود. تراپی مبارزه در ان انقلابی در جمهوری اسلامی که علاوه بر فشار سرکوب عمومی تحت فشار مافی علیه حق موجودیت زنان قرار دادند، دشوار تر است از زندگی و مبارزه قهرمانانه شیدا بعنوان یک کمونیست پرورش ما دری دانشور و همسوزی فدائی که در سرفش بزرگی است برای همه زنان فدائی که در شرایط بیگردد سرکوب در ایران بیکار می کنند. خاطره او در سینه های مردم جاودانه می شود و یادش الهام بخش مبارزه فدائیان علیه ستم و استعمار خواهد بود. رایت سخی که با دست رفقای شهید ما افراشته شد، امروز در دست ما است، برای ادا همه راه او به پیش!

هر صبح و شب به غارت تو فان روندویا ز باز، آخرین شقایق این باغ نیستند.

